



انترناسیونال

۳۳۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۸۸، ۶ فوریه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

های شریف مردم به پیش میرود.
سی و یک سال پیش مردم به
پادگانها، شهربانی ها، ساواک و
سایر مراکز دولتی هجوم بردند و
دستگاه سرکوب شاه را تماما در
صفحه ۳

جمهوری اسلامی را در هم بکوبیم!

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت ۲۲ بهمن

۲۲ بهمن در دل انقلابی دیگر از تر و عمیق تر که با قدرت برای راه میرسد. انقلابی بمراتب عظیم پیروزی کامل، یعنی درهم شکستن کامل رژیم حاضر و تحقق آزادی و برابری و همه آرمان



اعتراض مردم در مقابل زندان اوین توانسته است تا کنون 70 زندانی را به آغوش عزیزانشان بازگرداند

در زندانها را خواهیم شکست

صفحه ۱۳

۲۲ بهمن خیابانها مال ماست

صفحه ۳

مصاحبه با شهلا دانشفر

در باره مانیفست آزادی زن



شهلا دانشفر

صفحه ۶

انترناسیونال: اخیرا بیانیه ای به امضای شما و مینا احدی و مریم نمازی و مهین علیپور تحت عنوان مانیفست آزادی زن انتشار داده شده است، مضمون و خواستههای این مانیفست کدامند؟
شهلا دانشفر: مانیفست آزادی زن صدای اعتراض انسانهای

خانم شیرین عبادی،

سپاه پاسداران و بسیج،

برادران شما، اما دشمنان مردمندا!



مینا احدی

پیام شیرین عبادی: "ما مدافعان حقوق بشر از شما برادران سپاهی و بسیجی مردمی می خواهیم که برادران و خواهران خود را که سوگند به پاسداری آنها خورده اید، ..."

صفحه ۷



حمید تقوایی

داشته اند در نشریه "انترناسیونال"، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران که طی آن بین جامعه مدنی و جامعه انسانی تفاوت قائل شده اند. سؤال من ابتدا این خواهد بود که این

صفحه ۸

جامعه مدنی، جامعه انسانی

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

۱۴ فوریه ۲۰۰۸

اشاره: در برنامه امروز با حمید تقوایی در مورد جامعه مدنی و جامعه انسانی صحبت خواهیم کرد. می خواهیم ببینیم آیا تفاوتی میان این دو وجود دارد یا خیر؟ اخیرا حمید تقوایی بحثی

در صفحات دیگر :

فراخوان تظاهرات اتحادیه های کارگری ایتالیا
کارگران، شوراهای خود را تشکیل دهید
اعتراض کارگران کارخانه نورد لوله صفا کارفرما را عقب نشانند
اعتراض جهانی علیه اعدامها در ایران، گسترش می یابد
تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور بمناسبت ۲۲ بهمن



ستون اول

محسن ابراهیمی

لحظات

آزادی و برابری نزدیک میشود!

در سالگرد قیام بهمن ۵۷

به سالگرد قیام ۲۲ بهمن نزدیک میشویم. یک هفته بیشتر نمانده است. سرعت تغییرات در فضای سیاسی جامعه بی سابقه است. همه چیز به طور فشرده در فاصله هایی بسیار کوتاه دگرگون میشود. صف بندیها و ریزشها و جاعوض کردنها و جازدنهای دلایلیها و میانه بازیها و موعظه های اخلاقی و شایدهای سیاسی و تهدیدها و تردیدها هم در صف حکومت و هم در صف مخالفین درونی و بیرونی اصلاح طلبش سرعتی خیره کننده پیدا کرده اند. این خود از مشخصات یک مقطع انقلابی است. مقطعی که شکاف پایین و بالا هر دم بزرگتر و پرنشدنی تر و خطرناکتر و "ویرانگر" تر میشود و بالا را به تشویش و نگرانی و هراس میاندازد. مقطعی که گذر هر لحظه اش، عناصر یک انقلاب زیر و روکننده را متراکم تر و آماده تر میکند و جامعه را به سمت لحظه تعیین تکلیف نهایی سوق میدهد.

طنز تلخ و در عین حال شیرین - تلخ برای حکومت و شیرین برای مردم انقلابی - این سالگرد قیام ۲۲ بهمن این است که "همه" این سالگرد را از آن خود میدانند. "همه" برای برگزاری باشکوه این سالگرد فراخوان میدهند. "همه" میخواهند در این روز وسیعا شرکت کنند و "همه" میخواهند

صفحه ۲

بازتاب هفته:

- * عقب نشینی تا ته زباله دان ... کاظم نیکخواه
- * عبور از همه قوانین محمد رضا پویا
- * کارگران ایتالیا علیه اعدام کاظم نیکخواه
- * طرح بودجه بندی محمد شکوهی
- * طرح یارانه ها... بهروز مهر آبادی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

این روز را به روزی برای رسیدن به اهداف خود تبدیل کنند. از سرچلاد حاکمیت اسلامی یعنی خامنه ای گرفته تا فرزندان مغضوب و مطرود بارگاه حاکمیت اسلامی از یکطرف تا مردمی که تا پای سنگریندی خیابانی علیه این رژیم رفته اند خود را برای سالگرد قیام ۲۲ بهمن آماده میکنند. البته با دو هدف کاملاً متضاد و در مقابل هم. جبهه اول برای حفظ نظام و جبهه دوم برای سرنگونی نظام.

حاکمین اسلامی در حقیقت سالگردی نمیگیرند. آنها تماماً بسیج شده اند تا از این گردنه تند و طوفانی با کمترین تلفات عبور کنند و به ته دره سقوط نکنند. از حرکات و سکناتشان در چند هفته گذشته بخوبی روشن است که نگرانند و در تشویشند که این سالگرد ممکن است به مراسم سرکشیدن آخرین جام زهرشان بدیل شود. تمام تلاششان این است که سالگرد قیام ۵۷ به قیام ۸۸ تبدیل نشود. آنها تجمع توده ای وسیع مردم در ۱۳ آبان و روز قدس و مخصوصاً ۶ دی را دیده اند و خاطره تلخ حقارت و ذلت این روزها همچنان بر سر و مغزشان سنگینی میکند. یادشان هست که چگونه مردم توانستند روزهای خود حکومت را به روزهای مضاف علیه حکومت تبدیل کنند. میدانند که مردمی که قرار است در سالگرد ۲۲ بهمن به خیابان بیایند، همان مردمی هستند که در همین مدت کوتاه بارها در مقیاس میلیونی سرنگونی حکومت را تمرین کرده اند. میدانند که اینها قیام کنندگان ۶ دی هستند که قرار است مجدداً در سالگرد قیام ۵۷ به خیابان بیایند. میدانند که این مردم میدانند که ۳۰ سال پیش در چنین روزی مردم بساط یک دیکتاتوری را برای رسیدن به آزادی و برابری و انسانیت جارو کردند و میدانند که این مردم میدانند که این قیام مردم با یک بند و بست طبقات حاکم و دول غرب به خون کشیده شد و قدرت سیاسی بدست مرتجعترین نیروی معاصر یعنی جنبش اسلامی سپرده شد.

حتی ابله ترین عناصر حکومت هم تصور نمیکنند که گویا "دهه

فجر"، دهه ای برای حضور حتی بی شکوه رژیم باشد. حتی آن عناصری از رژیم که رجز میخوانند که ۲۲ بهمن کسی جرئت دست دراز کردن به مقدسات حکومت نخواهد داشت هم به حرف خودشان باور ندارند. همه این رجزها بخشی از تبلیغات تولید وحشت است. بخشی از تلاش برای عبور کم خطر از این گردنه است. به همین دلیل نمیاندند چکار کنند. نمیاندند چه بگویند و چه نگویند. نمیاندند چماق علم کنند یا هویج نشان دهند. نمیاندند چه تاکتیکی و چه شیوه ای کار ساز است. در این چند هفته به هر دری زده اند. به هر ترفندی دست برده اند. یک روز چوبه

حاکمین اسلامی در حقیقت سالگردی نمیگیرند. آنها تماماً بسیج شده اند تا از این گردنه تند و طوفانی با کمترین تلفات عبور کنند و به ته دره سقوط

دار نشان داده اند. صبح اعدام کرده اند و ظهر قانون قانون کرده اند. از این مصلی تا آن مصلی، از این امام جمعه تا آن امام جمعه، از این نماینده مجلس اسلامی تا آن نماینده مجلس اسلامی، از این حاکم شرع تا آن قاضی شرع، از این سردار سپاه تا آن سردار بسیج، هر کدام سازی زده اند. و در این میان وضع رهبر این ارکستر خویین و چرکین از همه بدتر است. مثل همه دیکتاتورهای رو به موت، با تمام علاقه اش به چماق، گاهی از بیت خونیش همراه چماق هویج نشان مردم داده است و اما نمیاندند کی و چگونه و کجا کدام را بکار ببرد چون هیچکدام دیگر موثر نیست. نه چماقش میترساند و نه هویجش آب بر زبان کسی میاندازد. این رهبر "نه پشت دارد و نه مشت". فعلاً بعد از الاکلنگ سیاسی هفته های پیش، هر چقدر به سالگرد ۲۲ بهمن نزدیک میشویم چماقهایش را بیشتر نشان مردم میدهد چون آخرین ابزارش همین چماق است که در ۶ دی همین ابزار هم در هم شکسته شد.

سران جناح حاکم، در کشمکش با جناح مغضوب هم پاک گیج شده اند. همین اخیراً اینها را تا کنار صندلی "محاربه با خدا" برده بودند و

از آنجا به صندلی "سران فتنه" منتقل کرده بودند و از آنجا به صندلی "خواص" منتقل کردند و فقط خواستند این "خواص" صریحاً با "عوام" یعنی همان توده مردم مرزبندی کنند. اگر چه در مورد برخورد به همین خواص هم به اندازه محافل درون باند خامنه ای - و این محافل زیادند - سازهای مختلف میزنند. "خواص"ی که قرار بود کوتاه بیایند و بحران مشترکشان را با معاملات پشت پرده و از بالای سر مردم حل کنند یکباره توسط دایره سیاسی سپاه به "رود به فاز نظامی" متهم شده اند. چه وضعیت آشفته و در عین حال مضحکی!

نکنند. از حرکات و سکناتشان در چند هفته گذشته بخوبی روشن است که نگرانند و در تشویشند که این سالگرد ممکن است به مراسم

و در این میان و درست به خاطر نزدیک شدن سالگرد قیام بهمن، فیلشان یاد هندوستان کرد و دلکشان را به میدان فرستادند تا باز هم طبق معمول فیل هوا کند تا شاید بتواند حواس مردم جهان و ایران را از انقلاب در آسمان سیاسی ایران پرت کنند. برای مثال: درست در آستانه قیام ۲۲ بهمن، در آستانه روزی که قطعاً "عظمت" این دستگاه فرسوده را به چالش خواهد کشید، احمدی نژاد در مقابل دوربینها ظاهر شد و مردم را مطلع کرد که به کوری چشم دشمن، جمهوری اسلامی چند گرم و چند موش و چند لاک پشت به فضا فرستاده است تا مثلاً از این طریق عظمت حکومت اسلامی در حال سقوط را به جهانیان نشان دهند!

صف جناح مغضوب هم به اندازه جناح حاکم آشفته است. عبور سالم از ۲۲ بهمن برای این صف هم به اندازه جناح حاکم حیاتی است. خطر سالگرد ۲۲ بهمن خطری مشترک است. فلسفه وجودی این جناح حفظ نظام از معرض یک انقلاب دیگر است. و سالگرد ۲۲ بهمن میتواند نقطه عطف مهمی از انقلاب جاری باشد. کابوس "ساختار شکنی" در ۶ دی بر مغز این صف هم فشار میآورد و ۲۲ بهمن را

به مقطع پر کابوس تری برای همین جناح تبدیل میکند. ۲۲ بهمن اگر به ۶ دی رادیکالتر تبدیل شود و شعار مرگ بر خامنه ای ظنین بیاندازد یک روز شرم آور برای اینها خواهد بود که چند هفته است تلاش کرده اند رهبر قاتل را به مثابه کلید دار بحران جا بزنند. اظهارات دو پهلوی موسوی و کروی در چند روز گذشته انعکاسی از این وضعیت است. لحنشان را علیه قوه قضاییه و دستگاه امنیتی تندتر کردند تا بتوانند با بیشماری تمام شعارهای رادیکال مردم را "مشکوک" جلوه دهند (مصاحبه موسوی با سایت کلمه)؛ تا بتوانند از مردم بخواهند که "بدون خشونت کلامی و

سرکشیدن آخرین جام زهرشان بدیل شود. تمام تلاششان این است که سالگرد قیام ۵۷ به قیام ۸۸ تبدیل نشود.

فیزیکی "این روز" ملی را هر چه با شکوهتر برگزار کنند. خشونت کلامی؟! صاف و ساده یعنی علیه نظام و کلیت نظام و سران نظام شعار ندهید.

سفیهانه تصور میکنند که مردم نمیدانند که چرا همین جناحی که یک خط در میان قسم میخورد هرگز برای اعتراضات میلیونی قبلی فراخوان نداده بودند، یکباره برای برگزاری باشکوه ۲۲ بهمن فراخوان میدهد؟ مردم میدانند که اینها فراخوان شرکت داده اند چون میدانند مردم بدون فراخوان آنها به خیابانها خواهند آمد و در سالگرد انقلاب دزدیده شده و بخون کشیده شده شان، انقلاب دیگری را پیش خواهند برد. فراخوان داده اند تا بتوانند حضور مردم در خیابانها را نشانه ای از حضور خودشان در عرصه سیاسی و علاقه مردم به بازگشت به دوران اول انقلاب تصویر کنند. در یک کلام فراخوان داده اند تا مثلاً رنگ خودشان را به حضور توده ای مردم علیه کل حکومت اسلامی بزنند. چه تصورات پوچ و احمقانه ای!

مردم آرزو میکنند و میخواهند و تمام تلاششان را میکنند تا لحظه آخرین صحنه نبرد باشکوهشان با حکومت

اسلامی را نزدیکتر کنند. برای مردم روشن است که حکومت اسلامی را فقط و فقط با در هم کوبیدن نیروهای سرکوبش میتوان به تسلیم واداشت. سکوهایی به آتش کشیده شده اعدام در سیرجان، تار و مار کردن نیروهای ویژه و بسیج در ۶ دی، صحنه هایی از تعرض به نیروهای سرکوب بوده اند که راه را نشان داده اند. همه اینها نشانه های آمادگی مردم برای تعرض به ارگانهای سرکوب رژیم اسلامی است. تجمع هر روزه مردم در مقابل مرکز اصلی آدمکشی اسلامی، زندان اوین آخرین مورد از آمادگی مردم برای مقابله نهایی

با حکومت اسلامی است. اوضاع دارد برای تعرض به مراکز سیاسی و سرکوب رژیم آماده میشود. اوضاع برای ویران کردن دیوار زندانها و بازگرداندن زندانیان سیاسی به آغوش عزیزانشان، زیر پا انداختن حجاب اسلامی و رها کردن نصف جمعیت از اسارت اسلامی، برچیدن بساط دار و اعدام، حمله به مراکز سپاه و بسیج و فلج کردن آخرین امکانات رژیم برای سرکوب، هجوم به دادگاههای ضد انقلاب اسلامی، هجوم به صدا و سیما و کیهان و در هم شکستن سانسور اسلامی بر جامعه، آماده میشود. سالگرد ۲۲ بهمن میتواند صحنه تعرض به همه ارکان سرکوب رژیم اسلامی باشد؛ میتواند و باید تلاش کرد قله انقلابی باشد که ۷ ماه است آغاز شده است؛ میتواند قیام ۵۷ را در ابعادی وسیعتر و عمیقتر تکرار کند و دمل چرکین جمهوری اسلامی را از پیکر جامعه جراحی کند؛ میتواند بر حیات جمهوری اسلامی نقطه پایان بگذارد؛ میتواند پنجره آزادی و برابری و انسانیت را بر روی ۷۰ میلیون انسان در ایران بگشاید؛ میتواند آغازگر دومین رنسانس عظیم ضد مذهبی در خاورمیانه و جهان باشد. میتواند راه را برای یک انقلاب انسانی در قرن بیست و یک، یک حکومت انسانی در این قرن، یک جمهوری سوسیالیستی در این قرن باز کند.*

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



از صفحه ۱ فراخوان حزب کمونیست کارگری ...

هم کوبیدند. قیام بهمن که علی‌رغم توافقات بالایی‌ها مبنی بر تحویل ماشین دولتی شاه به خمینی رخ داد، فقط به خرد کردن دستگاه اعمال دیکتاتوری محدود نبود. مردم همچنین کوشیدند تا خلاء قدرت را با ابتکارات انقلابی و اعمال حاکمیت خود پر کنند. برای مدتی اداره بسیاری از محلات و حتی برخی شهرها (نظیر سنندج) مستقیماً بدست مردم افتاد؛ کنترل بسیاری کارخانه‌ها عملاً تحت نظارت کارگران و شوراهایشان درآمد؛ دانشگاه‌ها بدست دانشجویان افتاد؛ بسیاری از روزنامه‌ها توسط شوراهای منتخب کارکنان اداره میشد... و چنین بود که به‌یمن قیام بهمن و ابتکارات مردم انقلابی، ولو برای مدتی کوتاه، خیابانهای تهران و بسیاری شهرها آزادترین و امن‌ترین نقطه جهان بود. برای خمینی و جنبش ملی اسلامی حدود ۳ سال و جنایات بیشماری از هجوم به زنان، شلیک به کارگران بیکار، حمله نظامی به کردستان، آتش زدن دفاتر روزنامه‌ها، حمله به دانشگاه و پاکسازی‌های گسترده تا اعدام‌های بی‌شمار و یک هالوکاست اسلامی لازم آمد تا دستاوردهای قیام بهمن را تماماً باز پس گیرد و انقلاب ۵۷ را در خون خفه کند. حکومت اسلامی برای بقاء خود دائماً بر ابزارهای سرکوب افزود و ماشین دولتی بمباران مخوف تری را برپا داشت.

خشونت و برقراری جامعه‌ای است که آزادی و حرمت و رفاه انسان را اساس کار خود قرار میدهد. حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان آزاده، همه کارگران، معلمان، دانشجویان را فرامیخواند تا در روز ۲۲ بهمن به خیابان‌ها بیایند. روز ۲۲ بهمن خیابانها مال ماست و باید تکلیف بختکی که بیش از ۳۰ سال جامعه را به تباهی کشانده معلوم کرد. در ۲۲ بهمن باید با اتکاء به قدرت میلیونی مردم در زندانهای رژیم را شکست و زندانیان سیاسی را آزاد کرد. باید بدون حجاب به خیابان آمد و آپارتاید جنسی را عملاً در هم شکست. باید چوبه‌های دار را به آتش کشید و اعدام را برای همیشه متوقف کرد. باید قوه

میکنند یورش نبرید، سر میدهند. اینان همانها هستند که مستقیم و غیر مستقیم از به سرایش افتادن حکومت توحش اسلامی به وحشت افتاده اند. موعظه "خشونت نکنید" در واقع دفاعی موزیانه از همین حکومت سراپا خشونت است. "خشونت نکنید" یعنی بگذارید گله‌های بسیج و پاسدار و مزدوران به راحتی صفوفشان را پراکنده کنند. یعنی قربانیان دست و پا بسته جلادان حاکم باشید. خشونت طلب کسانی هستند که از بقاء خشن‌ترین و جنایتکارترین حکومت‌های تاریخ معاصر چنین بی‌شرمانه دفاع میکنند. درهم شکستن تام و تمام دستگاه سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی با تعرض و قدرت انقلاب مردم تنها راه واقعی، انسانی و کم هزینه برای پایان دادن به

دیماه باید مقدمه تعرض گسترده تر و قاطع تر ما در روز ۲۲ بهمن باشد.

۲۲ بهمن روز برداشتن حجاب و بدون حجاب به خیابانها رفتن است. برداشتن حجاب تعرض سیاسی و ایدئولوژیک بزرگی به پایه‌های حکومت متحجر و ضد زن اسلامی است. "آزادی زن معیار آزادی جامعه است" و خواست "برابری بی قید و شرط زن و مرد" حکم خدشه‌ناپذیر انقلاب حاضر است. حجاب اسلامی را با زور سرنیزه به زنان تحمیل کردند و اکنون به قدرت انقلاب

۲۲ بهمن خیابانها مال ما است!

۲۲ بهمن روز تعرض گسترده به سرکوبگران و اوباشان جمهوری اسلامی است. کسی که یورش مردم به اوباشان جنایتکار رژیم را تحت عنوان خشونت محکوم میکنند، دارد موزیانه از حکومت سراپا خشونت اسلامی دفاع میکنند. خشونت طلب کسی است که از بقاء خشن‌ترین و جنایتکارترین حکومت تاریخ معاصر بیشماری دفاع میکنند. مردم حق دارند به سرکوبگران مانند روز ۶ دی حمله کنند و آنها را در هم بکوبند. درهم

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

اسلامی است. ۲۲ بهمن همه جا اعلام کنیم که مجازات اعدام یک عمل ضد انسانی و سرکوبگرانه است و باید تماماً ملغی شود و احکام اعلام زندانیان بدون قید و شرط لغو گردد. این یک خواست مهم انقلاب حق طلبانه ما است.

زنده باد انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ بهمن ۱۳۸۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

ویراستار:



کاظم نیکخواه
عقب نشینی

تا ته زباله دان تاریخ

سرگیجه دست اندرکاران حکومت در مقابل اعتراضات و انقلاب در ایران، تماشایی است. چند روز پیش معاون سینمایی وزارت ارشاد بنام جواد شمقدری در مهمانی "جشنواره فیلم فجر" که یک پروژه کار شده حکومتی برای "معرفی ارزشهای اسلامی" است، وقتی یکی از پاسدار - خبرنگاران به بی حجابی زنان در این مهمانی و جشنواره اعتراض کرد، جواش را اینطور داد که "در کجای قرآن و در کدام آیه گفته شده است که حجاب الزامی است؟". جالب نیست؟ معاون وزارت ارشاد جمهوری اسلامی و دفاع از بی حجابی! البته برای شخص ایشان این دهن کجی به یک رکن پایه ای حکومت اسلامی یعنی حجاب بی هزینه نخواهد بود اما حتما در فضای انقلاب و حجاب برگیران و پایمال کردن تمام مقدسات حکومت توسط جوانان و مردم، ایشان هم میتوانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند. یک نمونه جالب تر دیگر که جنبه رسمی تری نیز دارد اظهارات وزیر آموزش عالی حکومت در مورد مساله جداسازی جنسیتی در دانشگاههاست. کامران دانشجو در نشست روسای دانشگاهها اعلام کرد که به هیچوجه قصد تک جنسیتی کردن دانشگاهها را ندارند! این در حالیست که چندین آیت الله کله گنده حکومت همین چند هفته پیش شکر خوری کردند و بر تشکیل دانشگاههای جداگانه برای پسران و دختران تاکید کردند و فتوا دادند که دانشگاه مختلط حرام است. خود همین جناب وزیر هم از در ماههای اخیر برای جداسازی جنسیتی در دانشگاهها بر اساس "جهان بینی اسلامی" خیز برداشته بود و تهاجماتی به دانشجویان معترض نیز صورت گرفت. طرح جدا

سازی جنسیتی دانشگاهها یک طرح اعلام شده حکومت در همین یکی دو ماه پیش بود که امروز وزیر علوم میگوید منظورمان این نبوده است و اصلا به این فکرها نبوده ایم! خودشان میدانند که در برابر اعتراضات دانشجویان و مردم عقب نشسته اند، ما هم میدانیم. و میدانیم که این عقب نشاندنهای حکومت که تاکنون در زمینه های مختلف موارد بسیاری را دیده ایم، ادامه خواهد یافت. ناچارشان میکنیم تا ته زباله دان تاریخ عقب بنشینند. جای بهتری برای حکومت تبحر و ارتجاع و چپاول در اول قرن بیست و یکم قابل تصور نیست.*



محمد شکوھی

طرح بودجه بندی برای "حفظ نظام"

دولت احمدی نژاد امسال سریع تر به فکر اعلام طرح بودجه افتاد. سخنگوی دولت اوایل هفته گذشته اعلام کرد که بودجه سال ۸۹ تدوین شده و گزارش آن بزودی ارائه خواهد شد. در همین رابطه روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه دولت اعلام کرد گزارش رده بندیها و اولویت های بودجه سال آینده تهیه و با توجه به برخی "فوریتهای جاری"، هزینه های مهم مربوط به امنیت از همین حالا اجرایی می شود. وی اعلام کرد که فاکتور "امنیت" بزرگترین چالش نظام بوده و به همین خاطر از محل بودجه سال آینده نزدیک به نصف آن برای تامین امنیت، بالا بردن هزینه های زیر ساختی پروژه های "استراتژیک" نظیر فنا آوری علمی و هسته ای، نیروهای انتظامی و ارگانهای امنیتی و برخی از وزارتخانه ها، تامین هزینه های پولی پروژه های دراز مدت، از جمله اقلامی می باشند که با قید چند فوریت در نظر گرفته شده است. بر طبق حساب و

کتابهایی که جناب سخنگوی دولت اعلام کرده، فعلا مبلغ ۳۰ هزار میلیارد تومان برای بسیج، سپاه، و وزارت اطلاعات برای تامین امنیت، فوری تصویب شده و برای اجرا و هزینه ها به دولت و ارگانهای ذی ربط ابلاغ شده است. بنا بر این گزارش بودجه وزارت اطلاعات ۶۷۰۰ میلیارد تومان، نیروی انتظامی ۲۳۰۰ میلیارد تومان، وزارت دفاع ۶۷۰۰ میلیارد تومان، ارتش ۲۳۰۰ میلیارد تومان و سپاه ۵۸۰۰ میلیارد تومان و ستاد کل نیروهای مسلح ۵ میلیارد تومان می باشد. که مجموع بودجه نظامی و انتظامی و امنیتی کشور را به رقم نجومی ۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (۱۸ هزار میلیارد) تومان می رساند. لازم به توضیح است که سه هفته پیش هم مبلغ ۲۳۰ میلیارد تومان برای مقابله با "بحران های غیر قابل پیش بینی" هزینه شده است. بر اساس این گزارش بودجه های منظور شده برای سایر ارگانهای و نهادهای وابسته به حکومت به شرح زیر می باشد. کمیته امداد، ۱۷۰۰ میلیارد تومان، سازمان تبلیغات اسلامی ۲۷ میلیارد، دفتر تبلیغات حوزه علمیه ۴۷ میلیارد، شورای عالی حوزه علمیه ۱۹۱ میلیارد، مرکز خدمات حوزه علمیه ۱۱۴ میلیارد و شورای عالی حوزه ۶ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است. بودجه کل قوه قضائیه ۱۳۰۰ میلیارد تومان، بودجه وزارت خارجه ۴۲۵ میلیارد تومان، بودجه دیوان عدالت اداری ۱۳ میلیارد و سازمان بازرسی کل کشور ۳۴ میلیارد تومان می باشد. وزارت ارشاد ۶۶۰ میلیارد و وزارت آموزش و پرورش ۱۱۸۰ میلیارد تومان، بودجه بنیاد شهید ۳۱۰۰ میلیارد تومان و بودجه صدا و سیما ۶۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است. همچنین بودجه وزارت مسکن ۵۹۰ میلیارد و وزارت نیرو ۶۳۰۰ میلیارد در نظر گرفته شده است. با نگاهی گذرا به این ارقام تنها ارقامی که به نظر می رسد کمی ربط به جامعه و مردم دارند آموزش و پرورش ۱۱۸۰، وزارت مسکن ۵۹۰ میلیارد تومان می باشد که آنها هم وقتی که انسان در آن دقیق شود داستان خود را دارد. بودجه سال ۸۹ رژیم بودجه ای کاملا نظامی و امنیتی و در جهت حفظ و سرپا نگه داشتن کشتی طوفان زده جمهوری اسلامی است. اقلامی چون

تامین درمان، بهداشت، مسکن، بیمه های اجتماعی، بیمارستانها، مدارس و دانشگاهها، خدمات شهری و حمل و نقل و... ارقام بسیار ناچیز و بخشا حتی نسبت به قبل کاهش یافته اند. مواردی که به آنها اشاره شد هیچ موقع سیاست و مشغله حکومت نبوده و نیست. آمار و ارقام اعلام شده در این بودجه بندی علاوه بر هزینه های هزاران میلیاردی است که جمهوری اسلامی برای اختصاص به مزدورانش هر از چند ماه تصویب و با قید چند فوریت به اجرا در می آورد. افزایش حقوق نیروهای سرکوبگر بسیج، سپاه، کارکنان وزارتخانه های اطلاعات و کشور، به همراه دهها ارگان سرکوبگر و شرکت های مافیایی وابسته به صنعت تامین امنیت رژیم، راهم حساب کنیم بیش از نصف بودجه سال آینده حکومت صرف حفظ دم و دستگاه سرکوب و اعدام می شود. بودجه بندی حکومت و دولت با احتمال زیاد آخرین بودجه بندی است که ظاهرا قرار است حکومت را از تعرض مردم برای به زیر کشیدن حکومت سرکوب و اعدام و سنگسار، نجات بدهد. دیگر راه نجاتی نیست. حتی بودجه بندی های نجومی نظامی و امنیتی هم قادر نخواهد بود که حکومت در هم ریخته و تضعیف شده و شکاف برداشته را از تعرض انقلاب مردم در امان نگه دارد. دیگر دیر شده است.*

کاظم نیکخواه

کارگران ایتالیا علیه اعدام ها

در ایران

روزی نیست که در یک یا چند گوشه جهان علیه حکومت اسلامی حرکتی در جریان نباشد. یک نمونه اخیر آن فراخوان اتحادیه های کارگری ایتالیا برای تجمع مقابل سفارت جمهوری اسلامی در ایتالیا در اعتراض به اعدامهاست. بنا به اعلامیه "کمیته بین المللی علیه اعدام" طی یک بیانیه بتاريخ ۳ فوریه ۲۰۱۰ چندین اتحادیه کارگری ایتالیا فراخوان به تظاهرات اعتراضی علیه اعدامها در ایران دادند. روز جمعه ۵ فوریه ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه قرار است در شهر رم پایتخت ایتالیا در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران

کارگران تجمع کنند. فراخوان اتحادیه های کارگران ایتالیا اینست: "به اعدامها در ایران پایان دهید". بنا به این اطلاعیه اتحادیه های کارگری ایتالیا به اعدام دو جوان در ۲۸ ژانویه در ایران (محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی) اشاره کرده و از احتمال اعدام ۹ نفر دیگر از دستگیرشدگان اخیر حرف زده اند. این اتحادیه ها با اشاره به نقض وحشیانه حقوق کارگران، زنان و همه مردم ایران از همگان خواسته اند به اعدامها در ایران اعتراض کنند. روز سه شنبه ۱۳ بهمن نیز فدراسیون بین المللی رونامه نگاران بهمراه کنفدراسیون اتحادیه های کارگری بین المللی در نشستی در بروکسل اعدامها و بازداشتها در ایران را محکوم کردند و بر آزادی همه زندانیان سیاسی تاکید کردند. فراخوان تشکلهای کارگری به اعتراض به اعدامها در ایران فضای همبستگی بین المللی کارگران و مردم را بسیار گویا منعکس میکند. حکومت اسلامی مدتی است که تهدید اعدام دستگیرشدگان تظاهراتهای اخیر را بالای سر جامعه قرار داده است. پاسخ ما به این حکومت این بود که "جهان را علیه اعدامها تسلیم نکنیم" و بازم هم همین هشدار را به سران آدم کش حکومت اسلامی باید داد که دنیا با ما و علیه شماست. اگر به خونریزی اعدامها در ایران ادامه دهید فقط رم و لندن و استکهلم نیست که در حمایت از ما مردم به حرکت در خواهد آمد بلکه با قطعیت میتوانیم بگوییم که مردم جهان علیه تان در کنار صفوف میلیونی ما به حرکت در خواهند آمد. انقلاب ایران انقلابی مورد حمایت جهانی است چون علیه حکومتی است که نشان داده است با کل بشریت و دستاوردهای بشری خصومت دارد. با تروریستها و آدم کشان هم جبهه است. با فاشیستها و نازیستها هم سفره است. با جنگ طلبان و درنده خویان و مفتخوران تاریخ دمخور است. این را جهانیان میدانند و نگاهشان به مردم ایران است که جهان را از شر این بختک کثیف و عقب مانده و ضد علم و ضد بشر و ضد قانون و ضد هر چیزی انسانی خلاص کنند. بویژه کارگران جهان در سالهای اخیر به یمن تلاشهای فعالین کمونیسم کارگری در کمپینهای مختلف برای دفاع از

بازتاب هفته

حقوق هم طبقه ایهای خود در ایران شرکت کرده اند، و اکنون با شادی و امید چشم برهه پیروزی انقلابی انسانی در ایران علیه حکومت توحش سرمایه داران هستند. زنده باد کارگران ایتالیا زنده باد انقلاب انسانی در ایران.*



محمد رضا پویا

عبور از همه قوانین

در آستانه ۲۲ بهمن سران جنبش ملی اسلامی با انتشار بیانیه و انجام مصاحبه، از مردم میخوانند که "آرامش" خود را حفظ نمایند و از دادن شعارهای رادیکال بپرهیزند. شتاب گرفتن رادیکالیسم در پایین تنها خامنه ای و باند نظامی های در دولت را بوحشت نینداخته است، بلکه اصلاح طلبان حکومتی را هم آنچنان به هراس انداخته که مجبور گردیدند در انتظار عموم و بدور از هر گونه دیپلماسی اسلامی به مردم گوشزد کنند که اگر شعارهای رادیکال بدهند، جناح رقیب را پیدرنگ در اغوش خواهند گرفت و دست دوستی و اتحاد به خامنه ای خواهند داد. کروی بصراحت همین سیاست را اعلام کرد و موسوی بمناسبت بیست و دوم بهمن در مصاحبه خود با سایت کلمه، در مورد "شعارهای افراطی" به اصلاح طلبان دولتی هشدار داده است. موسوی میگوید: "بعضی از شعارهای معطوف به عبور از قانون اساسی مورد سوء ظن مردم متدین و نهادهای سنتی است و متأسفانه باید گفت، گاهی شعارهای افراطی در این زمینه بیشتر از افراط کاری های اقتدارگرایان به جنبش آسیب می رسانند. اینکه شما مخالف

خرافه گرایی و تحجر هستید یک خواست خوب و اساسی است. ولی اینکه وسط معرکه بحث هایی به میان کشیده شود که با اعتقادات و دین و ایمان مردم ناسازگاری دارد، مشکوک است." موسوی به اصلاح طلبان دولتی یاد آوری میکند که مردم از قانون اساسی عبور کرده اند (عبور از قانون اساسی نام اصلاح طلبانه سرنگونی رژیم اسلامی است) و شعارهای افراطی میدهند. ایشان مابقی یارانش را خیردار میکند که مردم مستقیم بسراغ دین و اعتقادات رفته و میخوانند بساط "دین خوب است، تحجر بد است" را در این مملکت جمع کنند. موسوی میانداند که در تظاهرات روز عاشورا یک چرخش بزرگ سیاسی در جامعه بوقوع پیوست. مردم بساط عزاداری اسلامی رژیم را بهم ریختند و با گوشمالی دادن نیروهای سرکوب، گوشه ای از قدرت خود را بنمایش گذاشتند. تکرار این تصویر بمنزله سرنگونی قریب الوقوع جمهوری اسلامی است. از همینرو موسوی از نتایج تغییرات رادیکال اظهار نگرانی میکند: "اگر ما این ریسمان اتصال را که حاصل زحمات و تلاش های نسلهای گذشته ماست از دست بدهیم به قطعات ریز ریز بی خاصیت تبدیل خواهیم شد". این عاقبت محتوم اصلاح طلبان حکومتی پس از سرنگونی رژیم اسلامی است. این طیف از جنبش ملی اسلامی تا زمانی که در ساختار و قدرت سیاسی رژیم اسلامی حضور دارد، میتواند ابراز وجود سیاسی کند. این همان "ریسمان اتصال" است که موسوی به آن اشاره میکند. اما طیف اصلاح طلبان دچار يك تناقض بزرگ است، تناقضی که سرنگونی خواهی مردم به این صف تحمیل کرده است. از یکطرف اینها با مردمی رویرو هستند که سرنگونی رژیم اسلامی در دستور کارشان قرار گرفته است، دارند برایش تاریخ تعیین میکنند و خود را برای اوضاع بعد از

سرنگونی آماده میکنند. طیف موسوی - کروی تلاش میکنند بر سر راه این تصمیم میلیونی ایستگاه ایجاد کنند، تلاش میکنند فتنه جنگ سیاسی جامعه را پایین بکشند و انرا در چهارچوبهای مورد قبول جنبش خود، محدود کنند. تلاشی که به سرانجام نرسیده است و تمام دلنگرانی موسوی هم از همین بی فرجامی مسئله است. از جانب دیگر اینها مجبور به تقابل با جناح رقیب خود هستند. بازگشت اینها به ارگانهای دولتی مانند دولت و مجلس منوط به حذف کامل و یا قسمت قابل ملاحظه ای از جناح راست است. خود این واقعه حتی اگر با کمترین تنش در بالا صورت بگیرد، از نگاه مردم به شرایطی خواهد انجامید که در انتهای آن رژیم اسلامی سرنگون خواهد شد. لذا برای طیف موسوی - کروی روشن است که حضور در قدرت با ترکیب کنونی در بالای رژیم امر ناممکنی است. پرچم اصلاح قانون اساسی موسوی ناظر بر همین شرایط است. میخوانند بجزئی تغییر کند که حضورشان را در "بالا" تامین کند و به سرنگونی منجر نشود. اما سیر حرکت مردم کل محاسبات اینها را به هم ریخته است و تناقضات این جنبش را عمیقتر کرده است. از یکطرف موسوی و کروی فتنه اختلافات با جناح رقیب را پایین میکشند، از جانب دیگر دار و دسته سروش و گنجی در خارج کشور با انتشار بیانیه ای خواهان حذف ولایت فقیه از قدرت میشوند. این تناقض دو وجه از يك سیاست واحد در صف اصلاح طلبان حکومتی است. سیاستی که کل تمرکز خود را بر روی تقابل با تغییرات انقلابی، قرار داده است. موسوی و کروی کماکان در توهم "حکومت اسلامی میانه رو" بسر میبرند. افغانستان و عراق روی دست معماران اسلام اهلی شده، مانده است. این مدل حکومتی شکست خورد و بساطش جمع شد. این "متوهمین" صرفنظر از تمایلات سیاسی خود، بازیگران تاریخی هستند که سرنگونی جمهوری اسلامی در آن رقم خواهد خورد.*



بهروز مهر آبادی طرح "یارانه ها": دست و پا زدن آخر

رفتن سراغ طرح هدفمند کردن یارانه ها را شاید بتوان آخرین تقلا و دست و پا زدن های رژیم برای بقا به حساب آورد. این پروژه در اساس طرح تازه ای برای گسترش غارت و چپاول سرمایه داران اسلامی است. اینکه حکومت چرا در کوران يك انقلاب و در حالی که کشتی اش دچار طوفان است، به صرافت طرح یارانه ها افتاده قطعاً تنها اقتصادی نیست. بلکه اهداف سیاسی معینی را دنبال میکنند که بطور خلاصه نجات حکومت از طوفان انقلاب مردم است. اما به جرات میتوان گفت که اینها اگر جرات و فرصت به اجرا گذاشتن این طرح را داشته باشند، با نتیجه ای کاملاً برعکس مواجه خواهند شد. بطور مشخص مبنای این پروژه آزاد گذاشتن قیمت ها و حذف سوسیدها (یارانه ها) از بعضی از اقلام مصرفی بویژه نان و مواد سوختی است. در این صورت قیمت این اقلام چند برابر می شود. بر اساس این پروژه ظاهراً قرار است افراد و خانواده ها به شاخه ها و خوشه های مختلف تقسیم شده و یارانه ها مستقیماً به افراد کم درآمد پرداخت شود. فقط کافی است که اشاره شود که بر اساس این طرح بالاترین میزان رایانه مستقیم به يك خانواده پنج نفره که هیچ درآمدی نداشته باشد، مبلغ یکصد و ده هزار تومان تعیین شده است و يك خانواده دو نفره با درآمد ماهیانه دویست و پنجاه هزار تومان مرفه محسوب شده و رایانه به آن تعلق نمی گیرد. دریافت همین میزان ناچیز هم باید پس از دور زدن مراحل مختلف بوروکراتیک باید باشد که معمولاً از مردم فقیری که دستشان از قوانین پیچیده سر در نمی آورند، ساخته

نیست. در حالی که خط فقر از طرف موسسات دولتی هفتصد و بیست هزار تومان در ماه اعلام شده و میزان واقعی خط فقر بیشتر از يك میلیون تومان در ماه برای هر نفر است، به راحتی می توان اهداف واقعی چنین طرحی را دریافت. هدف اصلی این طرح بیرون آوردن آخرین باقیمانده های دسترنج کارگران و مردم حقوق بگیر است که حتی اگر شغلی داشته باشند و اگر حقوقشان به موقع پرداخت شود، مجبورند نان را به شش برابر قیمت فعلی بخرند و پول برق را پنج برابر بپردازند. این طرح در اساس يك راه چاره اضطراری برای خزانه خالی جمهوری اسلامی است. در حالی که درآمدهای هنگفت حاصل از فروش نفت و سایر منابع و تولیدات صنعتی به حساب های بانکی آیت اله های میلیارد در بانک های خارج کشور سرازیر می شود و یا خرج دستگاههای مسلح و رنگارنگ رژیم و اوباش رژیم برای سرکوب اعتراضات مردم می شود، پولی برای پرداخت سوسید نان و سایر اقلام مصرفی مردم نمی ماند. پخش شایعه ورشکستگی دو بانک مهم دولتی یعنی بانکهای ملی و ملت در هفته گذشته موجب هجوم مردم برای بیرون کشیدن نقدینگی ناچیزشان از حسابها شد. و در مواردی نیروهای انتظامی به طرف مردمی که پول خود را می خواستند، تیراندازی کردند. عدم باز پرداخت وام های میلیاردی بانک ها به "آقازاده ها" و آیت اله ها و اعوان و انصارشان، عامل اصلی ورشکستگی این دو بانک قدیمی و معتبر ایران شده است. با وجود این بی پولی و بحران مالی، پرداخت یارانه از طرف يك رژیم ورشکسته چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم حتی اگر بخواهند مطلقاً غیر ممکن است. پروژه "هدفمند کردن یارانه ها" نشان می دهد که رژیم چه خوبی برای مردم زحمتکش دیده است. به فقر و فلاکت کشیدن بیشتر مردم. بعید به نظر می رسد که حکومت اسلامی فرصتی برای به اجرا درآوردن این طرح داشته باشد. اما به اجرا گذاشتن این پروژه مردم را در پائین کشیدن این حکومت قطعاً مصمم تر و متحد تر خواهد کرد.*

**زنده باد حکومت انسانی!
بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱ مصاحبه با شهلا دانشفر ...

آزادیخواه و برابری طلب علیه تبعیض جنسیتی در ایران است و در همان سرسخن خود اعلام میدارد که شرط رهایی جامعه و زن از این همه بیحقوقی و ستم، سرنگونی این رژیم است. در این مانیفست خواستهای جنبش آزادی زن به روشن ترین شکل بیان شده است و هدف خود را متحد کردن این جنبش حول این خواستهای انسانی، آزادیخواهانه و فوری قرار داده است. از نظر من این مانیفست کیفی خواست جامعه علیه رژیم ضد زن جمهوری اسلامی بخاطر سی سال جنایاتش علیه بشریت و تحمیل شنیع ترین بیحقوقی و اهانت و توهین و آپارتاید جنسی علیه زنان است. این مانیفست در دل یک انقلاب نوشته شده است و خواستهای آن، خواستهای فوری مردم و در واقع فرمانهای فوری انقلاب مردم است.

مانیفست آزادی زن را ما به مناسبت هشت مارس روز جهانی مبارزه با تبعیض علیه زن منتشر کرده ایم، چون هشت مارس بهترین مناسبت برای چنین کیفیخواستی علیه این رژیم آپارتاید جنسی در سطح جهانی است. ما اعلام کرده ایم که هشت مارس امسال، روز همبستگی با جنبش آزادیخواهی مردم ایران است و در این مانیفست همه سازمانهای مدافع حقوق زن و سکولار و آزادیخواه در سطح جهان را به حمایت و ابراز همبستگی با مبارزات حق طلبانه مردم و جنبش زنان در ایران و گرامیداشت یاد ندا آقا سلطان بعنوان سمبل انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی فراخوانده ایم.

ما در این مانیفست بر ده خواست فوری جنبش آزادی زن از جمله محاکمه رهبران و مسئولین جمهوری اسلامی به جرم سی سال جنایت و سرکوب و ابعاد جنایتکارانه ستمکشی زن تحت حاکمیت این رژیم، لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جدایی کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه

قوانین، لغو جدا سازی جنسیتی و آپارتاید جنسی، لغو صیغه و تعدد زوجات، حق بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد، لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان را زیر پا گذاشته است، لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان، لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار، اعدام، قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی، آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکل و اعتصاب و تخریب و اجتماعات، آزادی فوری و بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و بالاخره آزادی مذهب و بی مذهب و آزادی نقد مذهب تاکید گذاشته ایم. مشروح این خواستها را میتوان در خود مانیفست آزادی زن ببینید. همانطور که مشاهده میکنید، اینها خواستهای فوری و حیاتی یک جامعه سالم و انسانی است و باید فوراً تحقق یابد.

بویژه اینکه یک بخش قطور پرونده جنایات جمهوری اسلامی، داستان زندگی زن تحت حاکمیت این رژیم آپارتاید جنسی است. تحت حاکمیت این رژیم سخن گفتن از ستم کشی زن و از اینکه زن از اولیه ترین حقوق اجتماعی خود محروم است، حق طلاق و حضانت و دهها حق و حقوق دیگر سلب شده است، هنوز همه ابعاد این جنایت را بیان نمیکند. بلکه جمهوری اسلامی برای عقب راندن هر چه بیشتر جامعه از خواستهایش و برای حاکم کردن قوانین اسلامی اش، با بلند کردن پرچم حجاب آپارتاید جنسی، همواره زنان را مورد تعرض و سرکوب قرار داده است. برای تحمیل حجاب بر سر زنان و جدا سازی جنسیتی، اوباش حزب الله اش را به خیابانها ریخته و بر روی زنان تیغ کشیده اند، اسید پاشیده اند، و زنان را بعنوان "بدحجاب" زندان و سرکوب کرده اند.

جمهوری اسلامی با رواج صیغه این فحشهای رسمی اسلامی و با قوانینی چون تعدد زوجات و غیره زنان را زیر بیشترین تحقیر و اجحاف قرار داده است. در حاکمیت این رژیم زن نفعه بگیر مرد و تحت سرپرستی مرد

تعریف میشود و بنا به قوانین تعریف شده اسلامی اش زن مورد کتک و اذیت و آزار و تجاوز جنسی و انواع خشونت ها قرار میگیرد. و وقتی هم یک زن بخواهد از جهنمی که در خانواده برایش بوجود آمده خود را رها کند، هفت خوان رستم را باید بگذرد، و با انواع و اقسام توهین و تحقیر رودر شود، تا بالاخره حق خود را بگیرد. در حکومت جمهوری اسلامی موقعیت زن یک بردگی جنسی مطلق است و میتوان زن را تحت عنوان مهریه و شیربها و دیگر قوانین ارتجاعی اسلامی، خرید و فروش کرد. در این حکومت دختر بچه نیز به جرم دختر بودن، از همان کودکی حجاب بر سرش میکشند و مورد بیشترین کودک آزاری قرار میگیرد. دختر بچه های بسیاری هستند که در سنین کودکی به ازدواج و عقد و نکاح مردی که پدرش و اقوامش تصمیم گرفته اند در میاید و زندگی و کودکی اش تباه میشود. از همین رو یک موضوع دایمی اعتراض مردم در این حکومت مقابله با این قوانین ارتجاعی و آپارتاید جنسی آن بوده است. به عبارتی روشنتر مردم ایران تسلیم این عقب ماندگی و قوانین عقب مانده و کپک زده جمهوری اسلامی نشده اند و امروز ما شاهد انقلابی انسانی با خواستهای انسانی در ایران هستیم. انقلابی که ندا سمبل آنست و جهان این انقلاب را چنین می شناسد. از همین رو حکم اول این مانیفست آزادی زن محاکمه سران این رژیم بخاطر همه این جنایاتش است. در کل اینها همه خلاصه و چکیده مضمون و خواستهای مانیفست آزادی زن است.

انترناسیونال: ربط این مانیفست به اوضاع انقلاب امروز چیست و چه فعالیتهایی را در داخل ایران میتوان حول آن شکل داد؟

شهلا دانشفر: من در سوال اول به گونه ای به این سوال شما پاسخ دادم. همانطور که اشاره کردم این مانیفست در دل یک انقلاب است که نوشته شده و نمیتواند به مسایلی که این انقلاب در مقابل ما میگذارد پاسخ ندهد. این مانیفست به یک

جنبه مهم اعتراضات مردم در این جامعه، مساله ستم کشی زن جواب میدهد. چیزی که هویت رژیم اسلامی است و از همین رو زنان و نیز جنبش آزادی زن وزن و جایگاه مهمی در انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی دارد. ما همواره گفته ایم یک مساله مهم در این انقلاب مساله تعیین دادن به آن و بیان روشن و شفاف خواستهاست. ما با نوشتن این مانیفست تلاش کرده ایم به این نیاز پاسخ دهیم. مانیفست آزادی زن، از آنجا که به جنبشی قوی و قدرتمند علیه تبعیض علیه زن تکیه دارد، میتواند و تلاش ما اینست که محور تحرکی گسترده برای متحد شدن صفوف این مبارزه باشد. از همین رو در گام اول ما از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از همه کسانی که برای رفع تبعیض علیه زن مبارزه میکنند و از همه مردم بعنوان یک عرصه مهم مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواسته ایم که از این مانیفست حمایت کنند. همچنین ما از همه کسانی که این مانیفست را صدای اعتراض خود و خواستهای طرح شده در آن را خواستهای کل جامعه میدانند، میخواهیم که آنرا وسیعاً تکثیر و همه جا پخش کنند. دیگران را تشویق به امضا و حمایت از آن بکنند. میشود این مانیفست و خواستهایی که در آن طرح شده را بصورت تراکت در تظاهرات ها، از جمله در همین ۲۲ بهمن و در هشت مارس و در مناسبت های مختلف و در همه جا پخش کرد. میتوان با تظاهرات بی حجاب و برگزاری یک هشت مارس بیحجاب، یک گام عملی در تحمیل خواستهای این مانیفست برداشت و یک ضربه کاری بر کمر این رژیم زد. همانطور که اشاره کردم، این مانیفست به مناسبت هشت مارس داده شده و میتوان با آن و با خواستهایی که در آن طرح شده به استقبال هشت مارس رفت و با نصب عکس ندا بعنوان سمبل انقلاب و سمبل آزادیخواهی در همه جا و با شعار مرگ بر این رژیم ضد زن، هشت مارس را گرامی داشت.

بنابراین این مانیفست در عین

حال میتواند یک پلاتفرم عملی برای پیشبرد مبارزات ما باشد. میتوانیم با انواع و اقسام ابتکارات آنرا بدست بگیریم، حول مبارزه سازمان دهیم و متحد شویم. میتوان کرد این مانیفست جمع ها و تشکلهای خود را در دفاع از حقوق زن شکل داد و مبارزه برای این خواستها را محور کار و فعالیت خود قرار داد. بنابراین در پاسخ به سوال شما میخواهم بگویم که فعالیت های بسیاری میتواند حول این مانیفست شکل بگیرد. و باز هم فراخوان من اینست که همه بصورت جمعی و گروهی آنرا امضا کنند.

در عین حال ما در سطح جهانی نیز تلاش کرده ایم با جلب حمایت از این مانیفست، هر چه وسیعتر سازمانهای آزادیخواه و سکولار و مدافع حقوق زن را به حمایت و همبستگی با جنبش آزادی زن و مبارزات حق طلبانه مردم ایران جلب کنیم. در این رابطه بد نیست بگویم که تا همین جا در سطح جهانی استقبال خوبی شده از آن شده و بیش از ۱۰۰۰ نفر مانیفست آزادی زن را امضا کرده اند. همچنین سایتهای متعددی مانیفست آزادی زن را منتشر کرده اند. برای نمونه ریچارد داوکینز چهره سرشناس بین المللی منتقد مذهب با انتشار این مانیفست در سایتش عملاً از این حرکت ما دفاع کرده است. در عین حال فراخوان ما به همبستگی بین المللی با انقلاب مردم و جنبش آزادی زن در ایران، دارد بطور عملی پاسخ میگیرد. بطور مثال سازمانهای آنتی فاشیست در آلمان، امسال هشت مارس را در همه جای آلمان، روز همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران و روز همبستگی با مبارزات زنان در ایران اعلام کرده و در صدد سازمان دادن متینگ، تظاهرات و کنسرت در سراسر آلمان هستند. همچنین همانطور که در سومین اطلاعیه روابط عمومی کمپین هشت مارس گزارش داده شده است، بنا به اخبار رسیده در دانمارک نیز چندین سازمان مدافع حقوق زن، هشت مارس امسال را روز همبستگی با زنان ایران اعلام کرده اند. این کمپین ادامه دارد.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

از صفحه ۱ **خانم شیرین عبادی** ...

شیرین عبادی در یک پیام به مردم و مقامات حکومتی!؟ ظاهراً با هدف جلوگیری از خشونت و خونریزی، به نحو زنده‌ای، به دفاع از حکومت در حال ریزش اسلامی، دستگاه سرکوب این حکومت، سپاه پاسداران و بسیج پرداخته و چشمش را بر واقعیت‌ها در ایران بسته است. ایشان تاریخ شروع خشونت در ایران را به این چند ماه گذشته محدود کرده و می‌گویند:

"ایرانیان که همواره خواهان برقراری صلح در سراسر جهان بوده اند، اکنون ناباورانه خشونت و آتش را در خانه خویش و در بین برادران و خواهرانشان می‌بینند"

خانم عبادی! جنگ و گریز خیابانی با مزدوران جنایتکار حکومت اسلامی، جنگ تازه شروع شده بین "برادران و خوهران ایرانی" نیست. در ایران سی و یکسال است که یک حکومت دیکتاتور با حضور آخوندهای "ایرانی" و مزدوران "ایرانی" آنها، خون مردم را در شیشه کرده است. میکشند و سنگسار میکنند و چشم در می‌آوردند و فقر و فلاکت و بی حقوقی و خفقان را بر این مردم تحمیل میکنند. خشونت از زمانی شروع شد که جمهوری اسلامی ایران به قدرت رسید. چند هفته بعد از به قدرت رسیدنش کارگران بیکار اصفهان را مورد حمله قرار داد و یکی از آنها را کشت. چند ماه بعد به دانشگاهها حمله کرد، دانشجویان را با چاقو و قمه و کلاشینکف به خون کشید، کارگران را به گلوله بست، به کردستان و ترکمن صحرا لشکر کشید و به خانه های ما مخالفین حکومت، ما منتقدین از روز اول این دستگاه جنایت و آدمکشی، نیمه شبها ریختند و تعداد زیادی دختر و پسر جوان را از رختخوابهایشان بیرون کشیده و بعد از تجاوز به جوخه اعدام سپردند. فعالین سیاسی زندانی دوران شاه را دوباره دستگیر کردند و کشتند. ... این درست است که شما و طرفداران سینه چاک "جمهوری اسلامی و خمینی و حکومت اسلامی" نیش این حکومت را اخیراً تجربه کرده اید، همچنانکه حزب توده و اکثریت بعد از خوشترقصیهایشان برای خمینی قربانی این دستگاه شدند، اما لطفاً از جانب ما حرف

زنید! ما میلیونها نفر مردم ایران، ما کارگران، ما زنان، ما دانشجویان، ما لامذهبان و ما مردم ایران که قربانی این دستگاه فساد و چپاول و خونریزی اسلامی شدیم، از سی و یکسال پیش!

برای این میلیونها نفر، خشونت از لحظه به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و سپس اعلام قانون اساسی مورد لطف شما آغاز شد. خشونت ذاتی این حکومت است. حکومتی مذهبی که در قوانین اش، ضدیت با انسان، ضدیت با بی دین، ضدیت با زن، ضدیت با همجنسگرا، ضدیت با کارگر و دانشجو حک شده، و جز لایتنجای آن است؛ حکومتی که در قانون اساسی اش، اعدام و سنگسار و چشم در آوردن و دست بردن حک شده و اینها را روزانه اجرا میکند. نمونه بارز و تجسم خشونت است. شما به این حکومت و این دستگاه جنایت و آدمکشی، لقب "محترم" داده و از آنها گدایی انصاف میکنید؟ این دستگاه چپاول و فساد و خونریزی سی و یکسال است که خون مردم ایران را میمکد و درست در روزهایی که این مردم متحدانه به خیابان آمده و سوت پایان عمر اینها را به صدا در آورده اند، شما با مدال "حقوق بشران" وسط معرکه پریده و قصد نجات اینها را دارید؟ نجات حکومت اسلامی و مشروعیت دادن به این حکومت در اوج جنگ و نبرد روزانه مردم با این دستگاه برای خرد کردن آن و پایان دادن به کابوسی به اسم حکومت اسلامی، عین دفاع از خشونت است.

در بخش دیگری از پیام خانم عبادی میخوانیم:

"چه روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم. زمانی صدام جنگ علیه ایران را آغاز کرد و صدها هزار ایرانی را به خاک و خون کشید و میلیون ها مادر ایرانی را به سوگ نشاند، و..."

عبادی که حقوق بشرش اتفاقاً به نحو زنده ای ناسیونالیستی و ظاهراً فقط برای "ایرانیان" است، به آنسوی صحنه کاری ندارد. انگار در جنگ ایران و عراق مادران عراقی داغدار نشده اند. همین نکته نشان میدهد که ناسیونالیسم خانم عبادی و همفکرانش تا چه حد ضد انسانی است و نه حقوق بشری.

هزاران جوان با تهدید و تطمیع و اجبار دیکتاتور بیرحمی همچون صدام حسین، در عراق و در اینجا نیز

با مغزشویی و تهدیدات سران رژیم اسلامی روانه میدانهای جنگ شده و جانشان را از دست دادند. دو حکومت فاشیست برای منافع پلید خودشان به جنگی خانمانسوز دست زدند که نتیجه آن مرگ میلیونها نفر از دوسو بود. جنگ ایران و عراق جنگی ارتجاعی بود که صدام حسین و خمینی و اعوان و انصارش و جانیان حاکم بر ایران، برای منافع خودشان به آن دامن زدند و ویرانی و مرگ را برای میلیونها نفر ایرانی و عراقی به ارمغان آوردند. خمینی و همه سران ریز و درشت رژیم بارها تکرار کرده اند که جنگ نعمت الهی برای آنها بوده است. با این جنگ توانستند، هر صدای اعتراضی را خفه کنند و حکومت تنگنیشان را در ایران تثبیت نمایند. برای فرستادن جوانان به صحنه جنگ، کلید پلاستیکی بر گردن کودکان انداخته و آنها را روانه میدان مین کردند و همه اینها برای ماندن خودشان و چاپیدن مردم و فریه کردن آقا زاده هایشان بود.

تاریخ سی و یکسال گذشته حکومت اسلامی را تحریف کردن و برای سران آن آبرو خریدن ظاهراً در وجود عبادی و کل جنبش ملی اسلامی ژنتیک شده و دریند بند پیام این خانم "حقوق بشری" تصویری کاملاً وارونه از همه چیز ارائه داده میشود.

عبادی با کرشمه تمام در رابطه با کشتارهای اخیر رژیم اسلامی تاکید میکند که:

"این امر اگر نگویم ناشی از خشونت طلبی و مردم ستیزی عده قلیلی از حاکمان قطعاً از بی تدبیری، بی کفایتی و بی لیاقتی برخی از ایشان است که تردید های جدی در افکار عمومی ایجاد کرده است و در آینده نه چندان دور تاریخ این تردید ها را روشن خواهد ساخت."

تردیدهای جدی در مورد حکومت اسلامی بعد از سی سال کشتار بیرحمانه تازه امروز برای خانم عبادی آغاز شده است؟ تردید یعنی چه؟ امروز عالم و آدم در مورد جنایتکار بودن و فاشیست بودن این حکومت حرف میزنند. حتی رسانه های بین المللی که نان به نرخ روز خور بوده و منافع دولتهای غربی را پاس میدارند، مجبور شده اند، از جنایت و آدمکشی اینها حرف بزنند و محکومشان کنند. "فعال حقوق بشری جنبش ملی اسلامی"

نمیخواهد به اینها اسم واقعی اشان را بگوید. جنایتکاران قرن که پرونده سازی میکنند و دروغ می بافند و تجاوز میکنند و به دختر و پسر رحم نمیکنند، میکشند و می چاکنند، تازه خانم صاحب جایزه صلح نوبل را به صرافت این انداخته است که به اینها آوانس سیاسی بدهد و بگوید تردید جدی در افکارش ایجاد شده است!؟

با سنگسار مریم ایوبی" تردید جدی" ایجاد نشد، با اعدام دلارا دارابی جوان، با اعدام احسان فتاحیان، و با تجاوز به صدها دختر جوان در سالهای شصت و قتل عام و نسل کشی این رژیم جانی "تردیدی" در دل این خانم "حقوق بشری" ایجاد نشده است. آیا اینها بشر نبودند و فقط دوستان دوم خردادی و مدافعین قانون اساسی جمهوری اسلامی بشر هستند که در مورد آنها زبان باز میکنید و در مورد بقیه مهر سکوت برلب دارید؟

عبادی در پیامش چپ و راست از عدم ضرورت استفاده از خشونت از سوی مردم حرف میزند و میفرماید! "جوانان آگاه وطن! باید ممارست و مقاومت کرد و حتی در مقابل توپ و تانگ و گلوله، سنگ هم در دست نگرفت. راه رسیدن به عدالت و آزادی و دموکراسی و حقوق بشر راه گل گون می طلبد نه راه پرخون."

سوال این است آیا جوانانی که در مقابل گلوله و گاز اشک آور و پرتاب شدن از بالای پل و غیره، سنگ پرانی میکنند و یا باریگاد می بندند،

دست به خشونت میزنند؟ خانم عبادی با این پیام، میخواهد مردم را از مقاومت و دفاع از خود محروم کند؟ یا میخواهد حمله مردم به مراکز حکومت اسلامی را مترادف با خشونت قلمداد کنید؟ آیا جرات میکنید و بر این عقیده هستید که همین را به جوانان فلسطینی هم بگویید که در مقابل ارتش متجاوز اسرائیل سنگ پرانی میکنند؟

این اولین بار نیست که مردم یک کشور علیه دیکتاتورها به شورش و انقلاب دست میزنند. در مقابل حکومتهای تا دندان مسلح، روزی باید دست به اسلحه برد. قیام مرحله ای از انقلاب است که در آن مردم به مراکز حکومت، به زندانها و پادگانها حمله میکنند و دستگاه حکومتی را عملاً ساقط میکنند. لطفاً بین این مردم، بین این جوانانی که جانشان به لب رسیده و حکومت فاشیست

اسلامی را به تنگ آورده اند حائل نشوید. خشونت از سوی پسرعموهای شما است که مردم ایران را به مدت سی سال تمام در زیر تحقیر و توهین و شمشیر اسلام و شلیک گلوله، نگه داشته و به جوانان و مردم این مملکت رحم نمیکنند. از روز اول چنین بوده و ما قربانیان همیشگی این خشونت، حق داریم روزی برای تعیین تکلیف نهایی با اینها که با زبان خوش پایین نمی آیند و تاج و تخت را رها نمیکنند بپا خیزیم. این نه خشونت بلکه پایان دادن به خشونت جنبش شما است.

پاسخ جوانان به شما اینست. خیلی ممنون از این پیام دراماتیک. تا همین جا هم به اندازه کافی ما را کشته و زندانی کرده اند. برای اینکه بیش از اینها جنایت نکنند، ما باید متحدانه عمل کنیم. متمدانه ترین راه پایان دادن به خونریزی جنبش اسلام سیاسی و حکومت اسلامی ایران، انقلاب متحدانه و قیام

سراسری علیه اینها است. هیچ دیکتاتوری با زبان خوش از قدرت کنار نرفته و همیشه مبارزه مردم را به خون کشیده و راه پرخون را به مردم معترض تحمیل کرده اند. مردم راهی به جز مبارزات متحدانه و همبسته و در نهایت قیام علیه این حکومت دیکتاتور ندارند. لطفاً به نفع جنایتکاران عمل نکنید. اگر مردم را کمک نمی کنید کنار بنشینید و به اعتراضات بحق ما و حرکات اعتراضی ما مهر خشونت طلبی زنید.

بخشی از پیام خانم عبادی رو به پاسداران است! "ما مدافعان حقوق بشر از شما برادران سپاهی و بسیجی مردمی میخواهیم که برادران و خواهران خود را که سوگند به پاسداری آنها خورده اید، بی گناه و بی دفاع به خاک نیفکنید و مادران خود را رخت ماتم نپوشانید و بر سر مزار شهدایی دیگر نشانید."

خانم "حقوق بشری" خجالت نمیکشید یک دستگاه مخوف جنایت را که اکنون به یمن اسلامی بودن حکومت، در عین حال یک دستگاه پول درآوردن و چپاول میلیونها دلار و صاحب سرمایه عظیمی است، پاسدار حقوق مردم خطاب میکنید. خجالت نمیکشید، دستگاهی را که از روز اول، لوزه بر تن مردم انداخته و جنایتکاری و سبعبیت آن زبانزد خاص و عام است، دستگاه مردمی خطاب

از صفحه ۱ **جامعه مدنی، جامعه انسانی...**

تفاوت چیست؟ آیا یک جامعه مدنی نمی تواند یک جامعه انسانی باشد و خواسته ها و امیال انسانی مردم را تأمین نماید؟

کیوان جاوید: حمید تقوایی، به برنامه ما خوش آمدید. اگر ممکن است می خواهم سؤال کنم که چرا شما در تزه های خودتان در مطلب اخیر می که در نشریه انترناسیونال نوشته اید، بین جامعه مدنی و جامعه انسانی تفاوت قائل شده اید؟ آیا واقعا چنین تمایزی وجود دارد؟

حمید تقوایی: بله این تمایز وجود دارد. جامعه مدنی جامعه انسانی نیست و من این را توضیح خواهم داد اما قبل از آن باید ببینیم خود جامعه مدنی چیست و چگونه بوجود آمده است. مدنیت و جامعه مدنی پرچمی بود که بورژوازی انقلابی در قرن هجدهم در برابر جامعه فئودالی در اروپا بلند کرد. در مقابل جامعه فئودالی که کاملاً بر اشرافیت، خون، نجبا و مذهب متکی بود و مردم را رعیت بحساب می آورد و اساساً آدم حساب نمی کرد، بورژوازی انقلابی در آن زمان اعلام کرد این ضدانسانی است و آرمان جامعه مدنی، جامعه شهروندان متساوی الحقوق، را مطرح کرد. جامعه مدنی، جامعه ای مبتنی بر شهروندان از نظر حقوقی برابر بود که منشأ قدرت را مردم معرفی میکرد و نه مذهب یا اشرافیت. اعلام میکرد تفاوتی میان مردم از نظر خانواده، خون، نژاد و مذهب وجود ندارد، کلیسا باید از دولت جدا باشد و این نوع خواستها و آرمانهایی که در واقع، با شعار آزادی - برادری در انقلاب کبیر فرانسه خودش را نشان می داد.

اینها، مبانی جامعه مدنی است. بنظر من، این جامعه مدنی به دو معنی کاملاً از جامعه انسانی متفاوت است. اول به این دلیل که در همان جامعه مدنی ایده آلی که بورژوازی قرن هجده مطرح می کرد، تمایز طبقاتی کاملاً حفظ شده است. جامعه مدنی اساساً بر طبقات و تبعیض طبقاتی استوار است و نابرابری افراد از نظر عینی و واقعی در زندگی اجتماعی - اقتصادی شان پیش فرض جامعه مدنی است. جامعه مدنی مدل مطلوب طبقه سرمایه دار است. اساساً بحث "آزادی" در جامعه مدنی مطرح می

شود برای اینکه دهقانان و رعایا را از زمین آزاد کند و چیزی جز نیروی کار برایشان باقی نگذارند تا آنها بتوانند بیایند و در شهرها نیروی کارشان را به سرمایه داران بفروشند. در واقع، کالا شدن نیروی کار، مینا و اساس جامعه مدنی است. جامعه مدنی در همان شکل ایده آلی که تبعیض انسانی نیست به این دلیل که تبعیض و تفاوت طبقاتی و اقتصادی و در نتیجه تفاوت واقعی در زندگی هرروزه مردم را حفظ میکند، تشدید می کند، و اساساً بر مبنای آن استوار می شود. در واقع بورژوازی، حتی در ایده آل ترین شکل جامعه مدنی، تنها از نظر حقوقی آزادی و برابری را مطرح می کند و نه از نظر موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد. اما نکته دوم اینست که بورژوازی امروز حتی از همین هم عدول کرده است. یعنی چه از نقطه نظر نقش مذهب در دولت، چه از نظر اتکا به قومیت، اشرافیت، خون، نژاد و کلایک تلقی قرون وسطایی از جامعه بعنوان مجموعه ای از مذاهب و قومیتها و ملیتها، در تمام این موارد، می بینید که دیگر مبنای اولیه جامعه مدنی به همان معنی قرن هجدهمی کلمه تماماً در نظر و عمل زیر پا گذاشته شده و نفی شده است. امروز بورژوازی جهانی حتی در حرف و نظر هم از ایده آلهای اولیه خودش عدول کرده و جامعه مدنی در هیچ سطحی - حتی در همان محدوده ای که آنرا از جوامع فئودالی متمایز و پیشرفته تر میکرد - انسان و انسانیت را نمایندگی نمی کند.

کیوان جاوید: شما از جامعه انسانی صحبت می کنید. این جامعه چه نوع ارتباطی با جامعه سوسیالیستی برقرار می کند؟ اگر بحث شما در مورد جامعه انسانی است، آیا این جامعه در تقابل با جامعه مدنی است یا می خواهد آنرا رشد دهد؟ چطور می شود بین این چیزهایی که مطرح می کنید، ارتباط برقرار کرد؟ **حمید تقوایی:** ببینید؛ جامعه انسانی که ما از آن صحبت می کنیم، قبل از هر چیز، باید طبقات را از بین ببرد تا اساساً بتواند انسانی باشد. هر جامعه ای که طبقاتی باشد، انسانی نیست. دلیلش هم روشن است؛ جامعه طبقاتی بر تبعیض و نابرابری مبتنی است، و

نمی تواند نیازهای انسانی و برخورداری افراد جامعه از رفاه و امکانات اجتماعی و از حقوق و آزادیهای اجتماعی را تأمین کند. جامعه انسانی نمی تواند طبقاتی باشد. جامعه انسانی نمی تواند مسئله برابری اقتصادی - اجتماعی افراد را نادیده بگیرد و فقط بر برابری حقوقی شان بر روی کاغذ تأکید کند (آنطور که جامعه مدنی هست). بنابراین، اگر پرسش شما این است که آیا ما در مقابل جامعه مدنی هستیم، باید بگوییم بله ما از موضع انسانیت و دفاع از برابری و حقوق واقعی انسانها در مقابل جامعه مدنی - بخصوص به معنی امروزیش - هستیم و کلاً از جامعه مدنی حتی در ایده آل ترین شکلش بسیار فراتر میرویم. چرا که نه در جامعه مدنی ایده آل و نه در شکل امروزیش برابری واقعی افراد، و در نتیجه امکان واقعی استفاده از حقوق و آزادیهایشان، بر آورده نمیشود. امروز که دیگر حتی برابری حقوقی افراد هم کنار گذاشته شده است. ببینید؛ یک اتفاقی که افتاده این است که در تزه ها، تئوری ها و در عملکرد سیاسی بورژوازی امروز در دوره نظم نوین جهانی، جامعه بصورت موزائیکی از اقوام و مذاهب تعریف می شود. تمام معنای دموکراسی این شده است که باصطلاح نمایندگان اقوام و اقلیت های ملی، قومی و مذهبی هم در دولت جایگاهی داشته باشند. مدلی که در عراق پیاده کردند. مدلی که در افغانستان پیاده کردند. امروز اساساً وقتی از دموکراسی صحبت می کنند، منظورشان همین است. در خود غرب هم جامعه را مجموعه ای از مذاهب و فرهنگها و اقلیتها معرفی میکنند. جنبش اسلام سیاسی اساساً بر مبنای همین ایده پست مدرنیستی جامعه موزائیکی، همواره در حال باج گیری و امتیازخواهی است. این نوع عملکرد، در اساس خودش، حتی در مقابل همان جامعه مدنی قرون هفدهم و هیجدهم قرار دارد به این علت که - همانطور که گفتم - لااقل در آنجا بر اساس یک فرد - یک رأی مسائل جامعه مطرح می شود و نه بر اساس مذاهب و قیائل و بسته بندی ها و هویت های قومی، ملی و مذهبی.

کیوان جاوید: حمید تقوایی، ممکن

است این مسئله را در مقابل شما بگذارند و بگویند که شما وضعیت فعلی و امروزی جوامع را در نظر می گیرید و می آید آن تزه های اصلی و اساسی را که انقلابیون قرن هفده و هیجده در مقابل فئودالیسم و نظام ارباب و رعیتی آن زمان گذاشته اند، مورد نقد قرار می دهید. ببینید؛ آنها گفته اند و بحث کرده اند که منشأ قدرت مردمنده است. مذهب نباید در دولت باشد. بحث شان این بود که شاهزاده و ملکه و شاه و غیره نباید در دولت دخالت کنند و در واقع، بنوعی بحث جمهوریت را بمیان آورده اند. تمام اینها بحث هایی است که ما می توانیم در برنامه "یک دنیای بهتر" ببینیم و وقتی شما از جامعه سوسیالیستی حرف می زنید هم از حکومت مردم و شوراهای می گویند. همینطور بندهای دیگر برنامه یک دنیای بهتر - که پرچم مبارزه طبقه کارگر علیه وضعیت موجود است - مثلاً از این بحث می کند که مذهب نباید در دولت نقش داشته باشد. می خواهم بگویم ممکن است کسی به شما بگوید که شما وضعیت امروز و مثلاً دولت تاجر، بوش و ریگان را نگاه می کنید و به بهانه اینها دارید به آن ایده آلهای انسانی که انقلابیون قرن هیجده مطرح کرده اند، حمله می کنید. آیا این بگونه ای یک جنبه حمله کردن به آن چیزهایی نیست که حتی گفته می شود آن زمان جامعه را به جلو برده و واقعا هم برده است؟ می توانند جامعه امروز اروپای غربی را مقابل شما بگذارند که در هر حال، نسبتاً آزاد است، کسی از گرسنگی در خیابان نمی خوابد و غیره. آیا نمی توانند این بحث را مقابل شما بگذارند؟

حمید تقوایی: چرا. می توانند بگذارند و گذاشته اند و جواب ما هم روشن است. من حتی در همان پاسخ به سؤال اول شما هم به نکاتی اشاره کردم که همین را مدنظر داشت. ببینید؛ اولاً - همانطور که گفتم - این ایده آلهای بورژوازی در مقابل فئودالیسم مرحله ای مترقی تر بود اما در مقابل طبقه کارگر فوراً خاصیت ارتجاعی خودش را - حتی از همان مقطع کمون پاریس - نشان داد. این اتفاق در قرن هیجده و بعد از انقلاب کبیر رخ داد. باید بگوییم این ایده آلهای غیر از فرانسه و آنگه در یک مدت کوتاه، جای دیگری پیاده نشد. کما اینکه کلاً جمهوریت هم به همین

سرنوشت دچار شد و الآن خیلی از کشورهای اروپایی سلطنت را حفظ کرده اند و جمهوری نیستند. اصل دولت سکولار را هم بسیاری از کشورها هیچوقت قبول نکردند. اصل جدایی مذهب از دولت فقط در انقلاب کبیر فرانسه مطرح شد و بعد هم در جنگ استقلال در آمریکا و در "بیل آف رایترز" یا بیانیه حقوق مردم در آمریکا برسمیت شناخته شد. تازه در همین موارد هم تا حد زیادی روی کاغذ باقی ماند. همانطور که گفتم، نقد ما به جامعه مدنی حتی در شکل ایده آلی، این است که طبقات و تمایز طبقاتی را نگاه می دارد و نکته اینجاست که بورژوازی برای حفظ این تمایز طبقاتی ناگزیر است ایده آلهای کاغذی خودش را هم کنار بگذارد. در همان فرانسه کنار گذاشت. در انگلیس هیچگاه پایش نرفت و در جاهای دیگر دنیا هم، حکومت های بورژوایی هیچوقت آن چیزی را که روی کاغذ برسمیت شناخته بودند، آن آمال و آرزوهای انقلاب کبیر فرانسه را، پیاده نکردند.

چرا؟ نه به این خاطر که افراد بدجنس بودند یا دوست نداشتند. من در حسن نیت انقلابیون کبیر فرانسه هیچ تردیدی ندارم اما بطور واقعی نتوانستند و نمی توانستند آن آلهای پیاده کنند چون اساساً در هیچکدام از جوامع بورژوایی، بطور واقعی، منشأ قدرت مردم نبوده است. در هیچ مقطعی. چرا؟ چون یک طبقه ای که تازه بقدرت رسیده بود (طبقه بورژوازی) می خواست منافع و قدرت سیاسی و اقتصادی خودش را حفظ کند و برای این کار نیازمند بود دوباره به مذهب بازگردد. دوباره به نابرابری زن و مرد بازگردد. دوباره به ایده های ارتجاعی روی بیاورد و آورد. اینکه امروز می بینیم "مالتی کالچرالیست"ها این وضعیت را به روز جامعه مدنی آورده اند یا طرفداران نسبیت فرهنگی یا "نئوکسنسرواتیست"ها، بخاطر بدجنسی بوش یا بلر و تاجر نیست. این، ضرورت کارکرد سرمایه است که ناگزیر است برای حفظ سلطه خودش، به قعر ارتجاع بغلند و حتی از ایده آلهای خودش - که تازه آنهم در روی کاغذ در مقطع انقلاب کبیر فرانسه برسمیت شناخته بود - عدول کند. بورژوازی ناگزیر است به این ایده های ارتجاعی شبه قرون وسطایی بازگردد چون سلطه طبقاتی اش را میخواهد

از صفحه ۸ **جامعه مدنی، جامعه انسانی ...**

حفظ کند و این، ضرورت کارکرد سرمایه داری است.

بنابراین، اساس بحث ما در نقد جامعه مدنی، چه در شکل ولتر، روسو و ریسپیری اش و چه در شکل بوش، ریگانسیسم و مالتی کالچرایلیسم، این است که جامعه مدنی برای حفظ سلطه طبقه سرمایه دار ساخته شده است و به همین خاطر ناگزیر است به ارتجاع دروغتند و ناگزیر است حتی به مذهب، نژادپرستی و قوم پرستی - که روزگاری بر علیه شان بود - رجوع کند.

کیوان جاوید: اگر انتقادات شما را

بپذیریم، پس چرا شما و حزب کمونیست کارگری ایران/از مدرنیسم صحبت می کنید؟ مدرنیسم را بورژوازی رواج داد و سکولاریسم را هم همینطور. اینها بحث هایی است که پرچمش را خود بورژوازی بلند کرد و شما می گوید حتی در آن دوره هم ما به آن نقد داریم. آیا اینطور بنظر نمی رسد که شما نقد بخشی از پرچم بورژوازی را بلند کرده اید در عین حال که خودتان دارید با همان شعارها و ایده آنها (سکولاریسم و مدرنیسم و غیره) به جنگ جمهوری اسلامی یا خود بورژوازی می روید؟

حمید تقوایی: بله، نفس همینکه شما با این سلاح ها به جنگ بورژوازی می روید، به این معناست که بورژوازی دیگر در این سنگر نایستاده است و گرنه اگر من از سکولاریسم صحبت می کردم و ایران هم جامعه سکولاری بود، خوب، بحث من موضوعیت چندانی نداشت. کما اینکه پنجاه سال قبل - لاقدر در عرصه مبارزه سیاسی - سکولاریسم اساسا در ایران مطرح نبود به این دلیل که حکومت شاه باندازه حکومت اسلامی به مذهب متکی نبود. امروز این مسئله مطرح هست برای اینکه بورژوازی دنیا، در کشورهایی مثل ایران و در کشورهایی مثل خود آمریکا و انگلیس، به مذهب و نسبییت فرهنگی درغلتیده اند. نکته اساسی این است که امروز این پرچم مبارزه با مذهب در دست جنبش کارگری است. بطور واقعی و عینی شما دیگر در عرصه سیاست دموکرات یا لیبرالی که به مفهوم قرن هیجدهمی اش سکولار باشد، پیدا نمی کنید یا

خیلی کم پیدا می کنید؛ اگر هم هست، تحت تأثیر مبارزه ما کمونیست ها علیه مذهب قرار داشته است. بحث اینجاست که پرچم نقد واقعی به مذهب و به حضور مذهب در دولت و ایفای نقش آن در جامعه، در دست کمونیست هاست.

لیبرالهای دنیا امروز اتفاقا پرچم نسبییت فرهنگی را بلند کرده اند کاملا درها را چارطاق باز گذاشته اند برای رشد نیروهای مذهبی. در خود غرب، در خود انگلیس، هم اکنون لیبرالهای انگلیسی یا باصطلاح لیبرالهای کلاسیک یا دموکرات ها، طرفدار احترام به "فرهنگ دیگران"

هستند که مشخصا منظورشان تسلیم به سلطه اسلامیون در کشورهای اسلامزده است. این، ارتجاعی است که نیروهای بورژوا نمایندگی می کنند. در مقابل این ارتجاع کمونیستها، و برنامه کمونیستی "یک دنیای بهتر"، از ایده های پایه ای رئالیسم، انقلاب کبیر و غیره، دفاع می کنند، و باید گفت همیشه دفاع می کرده اند و در دل این دفاع، همواره نشان می دهند که برای اینکه بطور واقعی این ایده آنها پیاده شوند، ابتدا باید نظام طبقاتی زیر و رو شود. بطور عینی، امروز این دیگر تجربه تمام مردم دنیاست. در همان دوره و در همان شصت، هفتاد سال پیش و در مقطع انقلاب اکتبر هم، کمونیست ها اعلام کردند که هر دموکراتی ناگزیر است سوسیالیست باشد. این شعار معروف بلشویک ها بود در انقلاب اکتبر. امروز، این حقیقت بطریق اولی و صد برابر بیشتر دارد خودش را نشان می دهد. امروز شما نمی توانید کسی را که واقعا طرفدار جدایی مذهب از دولت است، در میان احزاب لیبرال یا دموکرات پیدا کنید.

کیوان جاوید: شما یک بحثی را در

همین جا مطرح کردید و گفتید جامعه مدنی در مقابل جامعه فئودالی و در مقابل دولت های فئودالی و قرون وسطی بی شکل گرفت و نسبت به آنها، انقلابی و مترقی بود. اجازه بدهید این مسئله را به جامعه ایران ربط بدهیم. می گویند یک حکومت ارتجاعی، قرون وسطایی و مذهبی روی کار است. آیا نباید با احزابی که از موضع جامعه مدنی مخالف این حکومت هستند،

اتحاد کرد؟ آیا شما و حزب کمونیست کارگری وظیفه ندارید با این نیروها که در هر حال، مخالف و در مقابل این حکومت مذهبی و قرون وسطایی هستند، حتی اگر سوسیالیست نباشند و جامعه طبقاتی را هم بخواهند، جبهه واحدی را درست کرده یا از آنها حمایت بکنید؟ چرا حزب کمونیست کارگری همواره بر علیه اینها هم هست؟

حمید تقوایی: برای اینکه اساسا بر علیه دولت مذهبی است. نود و نه درصد اینهایی که شما می گوید، در مقطعی که خمینی روی کار آمد یا همان دوره رونق کار خاتمی، سکولار نبودند. همه شان زیر عبای خاتمی بودند. همین دگراندیشانی که شما می گوید. همین سکولارهای از نوع سروش، گنجی و آیت الله منتظری که داریم. بحث بر سر این است که حتی همین حدی هم که اینها الان بخودشان می گویند سکولار، بخاطر این است که حزبی مثل حزب ما بود که در مقابل نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر نیرویی که در اپوزیسیون جمهوری اسلامی هم جایی برای مذهب باز می کرد، ایستاد. ما بطور عینی و واقعی خط سکولاریسم را در آن جامعه تقویت کردیم با نقد همه این نیروها. اگر شما از روز اول می رفتید کنار گنجی یا سروش می ایستادید الان جامعه در اینجا نبود و سکولاریسم هیچ جانی در سیاست اپوزیسیون نداشت. "پروتستانیسم اسلامی" نوع خاتمی و دوم خرداد جامعه را بلعیده بود. مبارزه پیگیر ما علیه مذهب، چه در مقابل جمهوری اسلامی و چه در اپوزیسیونش باعث شد که امروز جامعه رادیکالیزه شود و جایی برای گنجی، سروش، اسلام دگراندیش و پروتستان اسلامی (نامهایی که خودشان روی خودشان می گذاشتند) باقی نماند. همین امروز کسانی مثل خانم شیرین عبادی یا جناب گنجی دارند می گویند همه مذهب ارتجاعی نیست و مذهب خوب داریم و مذهب بد و جای مذهب خوب در دولت است. حتی سلطنت طلب ها هم همین را می گویند و من هیچ نیروی لیبرال یا دموکراتی - هیچ نیرویی غیر از حزب کمونیست کارگری ایران یا برخی از نیروهای چپ - نمی شناسم که بطور واقعی علیه مذهب و طرفدار سکولاریسم به معنای جدایی کامل مذهب از

دولت و به معنای جارو کردن مذهب از جامعه باشد. تمام آن نیروها، هر یک به درجه ای، مذهب را خوب و بد می کنند. اساس مبارزه شان با جمهوری اسلامی از مخالفت با ولایت فقیه فراتر نمی رود. و حتی بخشی از نیروهائی که خود ار چپ میدانند به مذهب رهایی بخش معتقدند و جایی برای مذهب خلقی و غیره باز می کنند.

نیروهای سلطنت طلب هم مثل زمان شاه مذهب رسمی را برسمیت می شناسند و روحانیون محترم - اگر باصطلاح مخالف ولی فقیه باشند - می توانند در حکومت سلطنتی جایی داشته باشند. اساس دعوی اینها - با آن نوع سکولاریسمی که به آن معتقدند - حداکثر، مخالفت با ولی فقیه است و نه مخالفت با دخالت مذهب در قوانین، آموزش و پرورش و شئون اجتماعی.

می خواهم بدانم چه نیرویی غیر از حزب ما با مذهب رسمی مخالف است و می گوید هیچ مذهب رسمی نداریم و نباید داشته باشیم؟ چه نیرویی غیر از ما می گوید فقه و شرعیات باید از مدارس، سیستم قضایی و غیره جمع شود و مذهب باید امر خصوصی افراد باشد و نباید در امورات و شئون اجتماعی دخالت داشته باشد؟ این تنها حزب ما است که گفته و می گوید و اگر کس دیگری هم امروز می گوید - که من متأسفانه زیاد سراغ ندارم - تحت تأثیر مبارزه همیشگی ما علیه مذهب بوده است. مبارزه پیگیر ما علیه تمام شاخه ها، جناح ها و روایت های مذهبی، باید بگویم در سطح دنیا هم این جبهه وجود دارد و در آن سطح هم حزب ما تقریبا در این نبرد تنهاست و به همین خاطر است که می گویم امروز بطور واقعی، این سوسیالیست ها هستند که پرچم سکولاریسم را بدوش می کشند و - همانطور که گفتیم - من هیچ نیروی لیبرال یا دموکراتی را نمی شناسم که اینقدر رادیکال و عمیق علیه مذهب بوده باشد.

کیوان جاوید: حمید تقوایی، نتیجه بحثی که پیش آورده اید، فقط می تواند این باشد که بگویم جامعه انسانی فقط یک

جامعه سوسیالیستی است. آیا این نتیجه گیری درست است؟

حمید تقوایی: بله، دقیقا اینطور است. حتی اگر همه لیبرالها هم امروز سکولار بودند و حتی اگر امروز همه شان ولتر، روسو و ریسپیری بودند، هنوز باید تاکید میکردیم جامعه انسانی، جامعه سوسیالیستی است. نکته اساسی همانطور که از همان ابتدا گفتم اینست که جامعه سوسیالیستی، انسانی است چون طبقاتی نیست. تمام ایده آنها و آرمانهای بورژوازی هم که پیاده شود، جامعه همچنان طبقاتی خواهد بود. جامعه انسانی فقط بر حقوق و جدایی مذهب از دولت مبتنی نیست. جامعه انسانی، جامعه ای است که انسانها در استفاده از مواهب اجتماعی و ثروتی که تولید می کنند، برابر باشند و حق داشته باشند که چون زنده اند و نفس می کشند، از تمام مواهب و رفاه ممکن در آن جامعه برخوردار باشند. کدام جامعه بورژوازی، حتی پشرفته ترینشان، این را تضمین می کند؟ هیچکدام! در جامعه سرمایه داری، مدنی و یا غیر مدنی، مالکیت مقدس است، ابزار تولید باید در دست سرمایه داران باشد و طبقه کارگر "آزاد" است که نیروی کارش را بفروشد و یا نفروشد. البته اگر نفروخت باید برود بمیرد یا از حداقل زندگی انسانی محروم باشد. اگر بیکار هستید، باید فقیر باشید، و میگویند حقتان است و غیره. تمام اینها - حتی بروایت ولتر و روسو - از مبانی و ارزشهای جامعه مدنی است. بنابراین، نقد ما به جامعه بورژوازی بسیار از این فراتر می رود که امروز دیگر سکولاریست ها، سکولار نیستند یا مذهب و نسبییت فرهنگی و جوامع مائزاتیکی حاکم شده است. نقد ما از این بسیار فراتر می رود.

کیوان جاوید: حمید تقوایی، اجازه بدهید سئوالی را که در این فرصت کوتاه به ذهنم رسید، مطرح کنم و از شما هم خواهش می کنم اگر ممکن است کوتاه جواب دهید (در عین حال متوجه هستم که دارم بحث را باز می کنم). با این حساب، چرا شما از مبارزات زنان برای لغو حجاب اجباری دفاع می کنید؟ اینها که برای سوسیالیسم مبارزه نمی کنند.

هشت مارس امسال در سراسر جهان، همبستگی با مبارزات زنان در ایران

سازمانهای آنتی فاشیست در سراسر آلمان: هشت مارس ۲۰۱۰ همبستگی با زنان و انقلاب مردم ایران

اطلاعیه شماره ۳

هشت مارس از راه میرسد و امسال فراخوان ما به همه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق زن، به همه آنتیست ها، آنتی فاشیست ها و مدافعین جدایی مذهب از دولت، به همگان در دنیا اینست که از مبارزات زنان و مردم در ایران بر علیه حکومت زن ستیز اسلامی دفاع کنید.

امسال هشت مارس فرصت مناسبی است که پیامهای همبستگی خود را به زنان آزاده ایران تقدیم کنید و اعلام کنید که در مبارزات شجاعانه آنها علیه حجاب و قوانین ضد زن اسلامی در کنار آنها هستید. اعلام کنید که صدای انقلاب مردم ایران را شنیده اید و با آنها برای سرنگونی حکومت اسلامی

و پایان دادن به این دوران خفقان و ترور، همراه هستید.

سازمانهای آنتی فاشیست در آلمان، امسال هشت مارس را در همه جای آلمان، روز همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران و روز همبستگی با مبارزات زنان در ایران اعلام کرده و در صدد سازمان دادن متینگ، تظاهرات و کنسرت در سراسر آلمان هستند.

در بخشی از اطلاعیه این سازمانها آمده است: در یک تصویر زن جوانی را می بینیم که روسری اش کمی عقب رفته و دارد سنگ پرتاب میکند، عکس و فیلم دیگری نشان میدهد که زنان فرمان پیشروی در تظاهرات را میدهند و در فیلم دیگری زن جوانی را دیدیم که خون از

دهان و دماغش فواره میزند و به او در محل تظاهرات شلیک کرده اند، این ندا است، زنی که شجاعانه مبارزه کرد و به دست حکومت دیکتاتور اسلامی کشته شد. در همبستگی با این جنبش انقلابی و سمبل اعتراض مردم ندا، در سراسر آلمان هشت مارس به خیابان رفته و از مبارزات برحق مردم ایران علیه حکومت اسلامی دفاع میکنیم.

همچنین از دانمارک خبر رسیده، که چندین سازمان مدافع حقوق زن، هشت مارس امسال را همبستگی با زنان ایران اعلام کرده اند. این جنبش را باید گسترده تر کرد. از همه فعالین حقوق زن دعوت میکنیم که سازمانهای مدافع حقوق زن و

مدافعین حقوق انسانی را دعوت کنند که به این حرکت جهانی پیوسته و با زنان و مردم ایران همبستگی اعلام کنند.

برای ابراز همبستگی با مبارزات زنان در ایران، ما با دادن یک مانیفست از همگان خواستیم آنها امضا کنند. اکنون ۱۳۰۰ نفر از سراسر جهان این مانیفست را امضا کرده و با ما برای برگزاری مراسمهای گسترده هشت مارس ابراز همبستگی کرده اند.

مانیفست به زبانهای فارسی، انگلیسی، آلمانی، نروژی، سوئدی، ایتالیایی، اسپانیایی، و... در این آدرس در دسترس است. روابط عمومی کمپین هشت مارس

۴ فوریه ۲۰۱۰

برای امضا این مانیفست لطفاً به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://equal-rights-how.com/IntWD-manifestzanan@gmail.com>

آدرس ایمیل جهت جلوگیری از رباتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید
O
iransolidaritynow@gmail.com

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

۰۰۴۶۷۷۱۹۶۶۷۳۱

فراخوان من به زنان و جوانان، به مردم آگاه و انقلابی ایران این است که تکلیف این بساط جنایت و آدمکشی، تکلیف این جانینان بیرحم را باید هر چه زودتر روشن کرد. حکومت اسلامی باید سرنگون شود و این مهم با نیروی متحدانه مردم و با حمله به این حکومت امکان پذیر است. هر کس مخالف خشونت است باید کمک کند دستگاه خشونت اسلامی زودتر برود. خشونت همیشه و همه جا از جانب حکومتیان بوده است. در هیچ جایی در دنیا اعمال خشونت از جانب مردم نبوده است بلکه این حکومتگران و دستگاه قدرت است که تا کنون مدافع و اعمال کننده خشونت بوده است. انقلاب حق مردم است. انقلاب بهترین و بی دردسرتترین راه برای واژگون کردن دیکتاتوری اسلامی است.

زنده باد انقلاب
سرنگون باد
حکومت جنایتکار اسلامی

از صفحه ۷ خانم شیرین عبادی ...

سرکوبگر را برادر خود و مدافع مردم میدانید؟

امروز در ایران همین دستگاه جنایتکار است که حکومت میکند و پاسخ اینها را نه با ضجه و التماس های فریبکارانه امثال شما بلکه در خیابان باید داد. با حمله به مراکز اینها، با خلع سلاح این جانینان و با واژگون کردن حکومت ایشان مردم جواب آنها را خواهند داد.

زنان و مردان آزاده، جوانان انقلابی ایران!

عبادی و شرکا، در ساختن این حکومت و آبرو خیزین برای آن و جار زدن اصلاح پذیری این حکومت و دفاع جانانه از خاتمی و شرکا یعنی یک جناح دیگر این نظام، از سی سال قبل تا امروز پرونده سیاهی دارند.

امروز با دفاع از سر پا ماندن این حکومت این پرونده را سنگین تر میکنند. درست در شرایطی که اسبها همدیگر را گاز میگیرند، و حکومت در حال فروپاشی کامل است، خانم عبادی به این ساختمان در حال ریزش دخیل می بندد.

کرده و برای آن آبرو میخرید. خانم عبادی این پاسداران و تمام دم و دستگاه مسلح و سرکوبگر رژیم اسلامی "برادران" شما هستند!! این انتخاب شما است. اما این دستگاه جنایت، دشمن مردم، ایران بوده و هست. مردم ایران این دستگاه مخوف را دشمن خود و قاتلان خود میدانند. خانم عبادی در پاسخ مادرانی که این دستگاه جنایت فرزندانشان را زیر شکنجه به قتل رسانده و به آنها تجاوز کرده چه میگوئید؟ پاسختان به هزاران نفری که به دست اینها کشتار شده و خاورانها نتیجه اعمال آنها است چیست؟ پاسخ مردمی را که زیر چکمه این دستگاه خون و جنایت له شده اند را چه میدهید؟ آیا این همه جنایت بس نیست که هنوز آنها را برادر خود و مدافع مردم میدانید؟ تا چه اندازه باید کشتار کنند و خون بریزند که شما آنها را دشمن مردم بدانید؟ آیا ارتش نازی و لشکریان هیتلر برادر مردم بودند که اکنون سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و

از صفحه ۹ جامعه مدنی، جامعه انسانی ...

یک اشتباه و یک کلیشه است که گویا امر سوسیالیست ها فقط کار مزدی است. بله، امر اساسی ما لغو کار مزدی هست اما حفظ کار مزدی باعث شده است که تمام این تبعیضات در جامعه باقی بماند. ریشه تبعیض نسبت به زن، اقلیت های ملی، کودکان و نسبت به تمام بخش های جامعه و کلا محرومین و ستمدیدگانی که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند نظام سرمایه داری است. ما از مبارزه علیه هر نوع ستم و تبعیض و بی حقوقی دفاع می کنیم چون علیه سرمایه مبارزه میکنیم. تنها سوسیالیست ها می توانند انسانها را علیه تمام تبعیضات و نابرابریها نمایندگی کنند و به پیروزی برسانند.

کیوان جاوید: حمید تقوایی، خیلی ممنون که در این بحث شرکت کردید.

این مطلب را هادی وقفی پیاده و تایپ کرده است.

حمید تقوایی: مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه برای حقوق مردم جدا نیست. چونکه صد آید نود هم پیش ماست! اگر ما برای جامعه انسانی مبارزه می کنیم، یعنی از هر مبارزه ای علیه تبعیض در هر عرصه ای، از هر مبارزه ای علیه زیر پا گذاشته شدن حقوق انسانها، دفاع می کنیم. از هر مبارزه ای برای حقوق کودک، برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی، برای جدایی مذهب از دولت، برای رهائی زن، و غیره. از تمام اینها نه تنها دفاع میکنیم بلکه بسیج و سازماندهی مردم در همه این عرصه ها را امر مستقیم خود میدانیم. هیچکدام از این عرصه ها بطور مستقیم سوسیالیستی نیستند اما امروز فقط سوسیالیست ها هستند که می توانند بطور واقعی این مبارزات را تقویت کنند، پیش ببرند و به پیروزی برسانند. این مبارزات، در عین حال، امر ما سوسیالیست ها هم هست. این

یک دنیای بهتر

**برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

در زندانها را خواهیم شکست

تجمع بیش از دو هزار نفر از خانواده های زندانیان و مردم معترض در شب ۱۰ بهمن مقابل زندان اوین، یک حرکت نمادین برای گشودن در زندانها و شکنجه گاههای حکومت منفور اسلامی است. علاوه بر صدها نفر از خانواده ها و مردمی که عزیزانشان در زندان بودند، شمار قابل توجهی از مردم معترض و افرادی که قبلا از زندان آزاد شده بودند نیز به جمع آنها پیوستند و انزجار خود را از اعدام دوتن از زندانیان و قرار دادن تهدید اعدام بالای سر زندانیان سیاسی اعلام داشتند و خواهان آزادی زندانیان شدند. فشار این اعتراض بر حکومت آنچنان سنگین بود که پس

از ساعتی اعلام کردند که زندانیان را آزاد خواهند کرد و پس از آن شماری از دستگیرشدگان یک یک آزاد شدند و به میان جمعیت آمدند. دست اندرکاران زندان ابتدا از خانواده ها خواستند که آرام باشند تا عزیزانشان آزاد شوند. سپس اعلام کردند که ۲۳ نفر آزاد خواهند شد. و در نهایت تا پایان تظاهرات و تجمع، بنا به گزارش فعالین حقوق بشر ۴۰ نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند و در میان شور و شادی و اشک شوق معترضین، به میان مردم آمدند. یک امر فوری انقلاب میلیونی مردم شکستن در زندانها و شکنجه گاههای جمهوری اسلامی است. خواست محوری انقلاب حاضر آزادی

همه زندانیان سیاسی است. جمهوری اسلامی رژیم شکنجه و اعدام و زندان است. این حکومت به حکم انقلاب مردم باید سرنگون شود. عریضه کشی و تهدید تظاهر کنندگان به دستگیری و اعدام راهی است که اکنون جانینان حاکم به آن توسل جسته اند. اعدام دو تن از زندانیان بنامهای محمد رضا علی زمانی، و آرش رحمانی در روزهای اخیر یک تعرض و دهن کجی حکومت اسلامی به همه مردم شریف است. این جنایت خشم همه مردم را برانگیخته است. روز ۲۲ بهمن که در پیش است باید با مارش میلیونی پاسخ دندان شکنی به جانینان حاکم داد. پاسخ این حکومت مرگ بر جمهوری اسلامی است. پاسخ این حکومت شکستن در زندانها و آزادی همه زندانیان سیاسی به قدرت انقلاب مردم است. قاتلین و آیت الله های

دزد و کل فسیلهای منحوسی که با زندان و شکنجه و تجاوز و اعدام یک جامعه ۷۰ میلیونی را به گروگان گرفته اند، به حکم همین مردم باید گورشان را گم کنند. نیرویی که به زبان سران و امام جمعه ها و دست اندرکاران نفرت انگیزش آشکارا حکم اعدام و جهاد علیه مردم یک کشور را میدهد، جایش در زباله دان است. راهی برای سرپا ماندن ندارد. هیچ درجه جنایت نمیتواند این حکومت را از خشم مردم نجات دهد. میلیونها زن و مرد و پیرو جوان پا به میدان گذارده اند تا این ماشین جنایت را در سراسر ایران فلج کنند، در هم شکنند، و به عمر ننگینش پایان دهند. یک جامعه سراپا خشمگین، سراپا متحد و هم صدا دارد فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتور را سر میدهد. حاکمین اسلامی

سرمایه داران اگر ذره ای شعور داشته باشند و درسی از تاریخ گرفته باشند باید بدانند که هیچ حکومتی در برابر عزم متحد مردم میلیونی قدرت دوام ندارد و باید برود. تجمع شب گذشته مقابل شکنجه گاه اوین سرآغاز تظاهراتهای میلیونی و تعرض مردم به زندانها و خراب کردن دیوار زندانهاست. در زندانها را بزودی خواهیم شکست. عزیزانمان را از چنگ گرگهای حاکم نجات خواهیم داد. قاتلین و شکنجه گران را به محاکمه خواهیم کشید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
بهمن ۱۳۸۸ - ۱ فوریه ۲۰۱۲

تا کنون ۷۰ نفر از زندانیان آزاد شده اند تجمع در برابر اوین هر روز ادامه دارد

اطلاعیه شماره ۲

- آزادی زندانیان سیاسی

بنا به گزارشی که دریافت کرده ایم روز گذشته ۱۲ بهمن نیز خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین جمع شدند. با پیوستن خانواده ها و مادران عزادار به این تجمع همچون روز ۱۰ بهمن جمعیت بزرگی در مقابل درب اصلی اوین تشکیل شد که در همان ساعات اول به بیش از هزار نفر میرسید. هر دم بر تعداد جمعیت اضافه میشد. تجمع کنندگان تا دیر وقت شب به تجمع خود ادامه دادند. ساعت ده شب بود

که زیر فشار اعتراضات ۳۰ نفر از زندانیان آزاد شدند. مجموعاً طی سه روز ده و یازده و دوازده بهمن هفتاد نفر از زندانیان آزاد شده اند. هنگام بیرون آمدن زندانیان سیاسی از در زندان، جمعیت با شادی و با سوت کشیدن آنها را استقبال میکردند. خانواده ها عزیزان خود را به آغوش میگرفتند و روحیه زندانیان آزاد شده بسیار بالا بود و با دیدن جمعیت به وجد آمده بودند. گزارشگر ما میگوید صحنه های شورانگیزی بود. یاوآور روزهای انقلاب ۵۷ بود که مردم مقابل زندانها جمع میشدند

و شاهد باز شدن درب زندانها بودیم. جمعیت و شور و حالی که من دیدم حاکی از این بود که این مردم خشمگین دیر نیست که به زندانها حمله ور شوند و درب زندانها را بشکنند. جمعیت قول و قرار برای روزهای بعد را میگذاشتند. اشاره کنیم خانواده های زندانیان و همچنین خانواده های جانبختگان ماههای اخیر، منظمآ مقابل ساختمان "دادگاه انقلاب" جمهوری اسلامی و زندان اوین تجمعات اعتراضی خود را برپا میکنند و به اشکال مختلف مورد حمایت مردم قرار دارند.

آزادی تمامی زندانیان سیاسی یک خواست فوری و محوری انقلاب مردم علیه حکومت اسلامی است. هم اکنون شمار بسیاری از تظاهر کنندگان در زندانهای جمهوری اسلامی زیر فشار هستند. با اعدام جنایتکارانه دوتن از زندانیان بنامهای محمد رضا علی زمانی و آرش رحیمی، خانواده ها بشدت نگران وضعیت عزیزانشان هستند. حزب کمونیست کارگری همه مردم را فرا میخواند که فعالانه از مبارزات و تجمعات خانواده هایی که عزیزانشان در بند هستند، حمایت کنند و به تجمعات و اعتراضات آنها بپیوندند. آزاد شدن ۷۰ نفر از زندانیان در روزهای اخیر یک موفقیت برای مردم است. این پیروزی را ما به خانواده

هایی که عزیزانشان آزاد شده اند و به همه مردم سرنگونی طلب شادباش میگوییم. دیر نیست روزی که در همه زندانها را بشکنیم و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنیم. در تجمعات و تظاهرات ۲۲ بهمن علیه حکومت توحش اسلامی شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" باید در همه شهرها و مناطق مختلف طنین انداز شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ بهمن ۱۳۸۸ - ۲ فوریه ۲۰۱۰

همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند!

اطلاعیه شماره ۳

- آزادی زندانیان سیاسی

امروز ۱۴ بهمن برای پنجمین روز متوالی تجمع اعتراضی در مقابل زندان اوین ادامه یافت. در هوای سرد و بارانی جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰ نفر جمع شدند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و متوقف کردن اعدام ها شدند. خانواده های زندانیان، زندانیان سیاسی آزاد شده در روزهای قبل، شماری از "مادران عزادار" و همچنین شماری از مردم، جمعیت معترض را تشکیل میدادند. مسئولین و دست اندرکاران زندان اوین در این روز برخورد خشونت آمیزی با جمعیت

نداشتند و محتاط عمل میکردند. با فشار جمعیت، شمار دیگری از زندانیان در میان شادی و کف زدن و هلهله حاضرین آزاد شدند و به میان جمعیت آمدند. فضای بسیار پرشور و شادی جمعیت را فراگرفته بود. با آزادی هر زندانی در میان ابراز احساسات جمعیت، خانواده ها عزیزان خود را در آغوش میگرفتند و میگریستند. گزارشها از آزاد شدن بیش از ۴۰ نفر دیگر از زندانیان در این روز (۱۴ بهمن) حکایت دارد. روز گذشته ۱۳ بهمن نیز جمعیت معترضین به همین ترتیب در مقابل زندان اوین جمع شدند و خواهان

آزادی زندانیان شدند. در این روز نیز بنا به گزارش دریافتی شمار ۲۰ نفر از زندانیان آزاد گردیدند. به این ترتیب طی پنج روز گذشته تا کنون جمعا بیش از ۱۳۰ نفر از زندانیان سیاسی آزاد شده و به آغوش خانواده هایشان پیوسته اند. آزادی ۱۳۰ نفر از زندانیان سیاسی یک رویداد بسیار شگفت انگیز و یک موفقیت برای انقلاب و جنبش مردم است. حزب کمونیست کارگری به همه زندانیان آزاد شده، به خانواده ها و بستگان آنها، و به همه مردم آزادی خواه، آزادی این عزیزان را شادباش میگوید. با ادامه

اعتراضات و انقلاب مردم بیشک دیر نیست روزی که بتوانیم در زندانها را بشکنیم، تمامی عزیزانمان را از چنگال جلادان خلاص کنیم و با به زیر کشیدن این حکومت منفور، جامعه ای بسازیم که در آن هیچکس به جرم اعتراض و تجمع و عقیده و مرام زندانی نشود. جامعه ای انسانی که آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و انتقاد و اعتراض قانون اصلی و محوری آن را تشکیل دهد. در آستانه ۲۲ بهمن برای به جریان انداختن حرکتی عظیم و سراسری برای خلاصی قطعی از این حکومت زندان و اعدام مهیا شویم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سوسیالیسم با خیز! برای رفع تبعیض

زنده باد انقلاب انسانی
حکومت انسانی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

فراخوان تظاهرات اتحادیه های کارگری ایتالیا: به اعدامها در ایران پایان دهید!

کارگران، شوراهای خود را تشکیل دهید

مختلف باید از این فرصت استفاده کنند و شوراها و کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب خود را در سطح کارخانه و در سطح منطقه ای و سراسری ایجاد کنند و کارگران را برای اعتصابات بزرگ و سراسری آماده سازند. مطمئن این تلاش با استقبال گرم توده های کارگر مواجه خواهد شد و طبقه کارگر را در موقعیت بسیار قدرتمندی قرار خواهد داد. مساله مهم این است که در شرایط کنونی جمهوری اسلامی قادر به مقابله با تحرك کارگران برای ایجاد تشكول های توده ای آنها نخواهد بود.

امروز پیشروی انقلاب بویژه به حضور قدرتمند طبقه کارگر گره خورده است. در سال ۵۷ کارگران با دست زدن به اعتصابات در مراکز مهم کارگری در سطح کشور، نقطه عطفی در پیشروی انقلاب ایجاد کردند و نهایتا کمر رژیم سرکوبگر شاهنشاهی را شکستند. انقلاب کنونی نیز طبقه کارگر را به ایفای نقش تاریخی آنها فرامیخواند. این يك نیاز مبرم امروز جامعه ایران برای رها شدن از شر حکومت نكبت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری، کارگران پیشرو و انقلابی را به کوشش و فعالیت هرچه گسترده تر برای متشکل کردن کارگران و آمادگی برای اعتصابات بزرگ و سراسری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ بهمن ۱۳۸۸، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰

جمهوری اسلامی که سی سال کارگران و مردم را سرکوب کرده و مانع متشکل شدن آنها شده است امروز در مقابل انقلاب عظیم مردم در حال خرد شدن است. وقت آن است که کارگران در سراسر کشور خود را برای ایفای نقش مهم و تعیین کننده در اوضاع کنونی آماده کنند و همه جا دست به ایجاد شوراها و تشكول های سراسری خود بزنند و خود را بسرعت در سراسر کشور سازمان دهند.

ایجاد تشكول های کارگری در جمهوری اسلامی هیچگاه آزاد نبوده است با اینحال کارگران هر جا و به هر شکل توانسته اند سازمان های خود را ایجاد کرده اند و جمهوری اسلامی علیرغم همه تقلاها و اذیت و آزارها قادر به در هم شکستن تشكول های آنها نبوده است. در شرایط کنونی که توده های میلیونی مردم فضا را بر جمهوری اسلامی تنگ کرده و توازن قوا را کاملا به نفع مبارزه خود تغییر داده اند، شرایط از همیشه برای ایجاد تشكول های توده ای کارگری و دست زدن به اعتصابات بزرگ و سراسری مساعد تر شده است. کارگران ذوب آهن با ایجاد شورای موسس یا شورای موقت کارگران نمونه مهمی را مقابل سایر کارگران قرار دادند و تحرك در برخی دیگر از مراکز کارگری برای ایجاد تشكول های توده ای کارگری در جریان است. هیچگاه شرایط به اندازه امروز برای متشکل شدن کارگران آماده نبوده و هیچگاه این اقدام تا این اندازه ضروری و مبرم نبوده است. رهبران و فعالین کارگری در مراکز

کرده و الگوی مهمی از همبستگی با مردم ایران را ارائه دادند. در ایتالیا همواره از کمپین های ما بر علیه اعدام پشیمان شده و مردم ایتالیا بارها در میتنکهای علیه اعدام در این کشور برای نجات کبرا رحمانپور، شهلاجاهد و نازنین فاتحی و ... شرکت کرده اند.

این اقدام کارگران ایتالیا يك گام بزرگ به پیش در ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران و در مقابله با حکومت اعدام است.

همه جا علیه اعدامها به پا خیزید و فردا همراه با کارگران ایتالیا به اعتراض علیه اعدامها در ایران به خیابان بیاوید.

زنده باد

همبستگی بین المللی علیه اعدام
سرنگون باد حکومت اعدام
کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ فوریه ۲۰۱۰

اعتراض کارگران کارخانه نورد لوله صفا کارفرما را عقب نشانند

کند. هرچه مردم بیشتری به صفوف اعتراضی کارگران پیوندند امکان عقب راندن جمهوری اسلامی و مدیران و کارفرمایان و تحقق مطالبات کارگران بیشتر خواهد شد و زمینه برای تعرضات گسترده تر به حکومت اسلامی سرمایه داران بیشتر فراهم خواهد شد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۸، ۴ فوریه ۲۰۱۰

ژانویه در ایران اشاره کرده و از احتمال اعدام ۹ نفر دیگر از دستگیرشدگان اخیر حرف زده است. این اتحادیه ها با اشاره به نقض وحشیانه حقوق کارگران، زنان و همه مردم ایران از همگان خواسته اند به اعدامها در ایران اعتراض کنند.

این اقدام در ادامه اعتراضات بین المللی علیه اعدام يك اقدام بسیار مهم است و کمیته بین المللی علیه اعدام از این حرکت و از این همبستگی با مردم ایران بسیار خشنود است و از همگان دعوت میکند که در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای حکومت اسلامی و در مراکز شهرها تجمع کرده و یکصدا اعلام کنند که نمیگذاریم بیش از این برای پس زدن اعتراضات مردم، به اعدام مخالفین ادامه دهند.

کارگران و مردم ایتالیا با این فراخوان راه را برای ابراز همبستگی بیشتر با مردم انقلابی ایران بازتر

طی يك بیانیه بتاريخ ۳ فوریه ۲۰۱۰ چندین اتحادیه کارگری ایتالیا فراخوان به تظاهرات اعتراضی علیه اعدامها در ایران دادند. روز جمعه ۵ فوریه ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه قرار است در شهر رم پایتخت ایتالیا در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران کارگران تجمع کنند. فراخوان اتحادیه های کارگران ایتالیا اینست: به اعدامها در ایران پایان دهید.

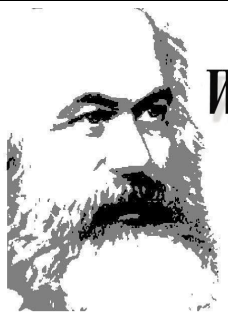
کمیته بین المللی علیه اعدام از این فراخوان استقبال کرده و از همگان دعوت میکند همراه با کارگران و مردم ایتالیا که در روز جمعه ۵ فوریه در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر رم تجمع میکنند، در همه جا و در همه کشورها، به این حرکت پیوسته و این روز را به روز اعتراض گسترده علیه اعدامها در ایران تبدیل کنند.

فراخوان اتحادیه های کارگری ایتالیا به اعدام دو جوان در ۲۸

بنا به خبری که روز ۱۴ بهمن ماه در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است، بدنبال دو روز اعتصاب همداری از سوی کارگران کارخانه نورد لوله صفا در ساوه در روزهای ۱۲ و ۱۳ بهمن ماه که کارگران از روز ۸ تا ۱۱ صبح تجمع اعتراضی برپا کردند، کارفرمای این کارخانه عقب نشستی و دستمزد آذرماه کارگران را پرداخت کرد. کارگران التیماتوم داده اند که چنانچه دستمزدهایشان تمام و کمال پرداخت نشود، بار دیگر اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران کارخانه نورد لوله

صفا قاطعانه حمایت می کند و این پیروزی را به آنها تبریک می گوید. حزب از همه کارگران این مرکز می خواهد با برگزاری مجمع عمومی، متحد و یکپارچه به اعتراض خود برای رسیدن به کلیه مطالبات برحقشان ادامه دهند. حزب همه مردم ساوه و کارگران دیگر مراکز کارگری و همسران و سایر اعضای خانواده کارگران را فرامیخواند به هر شکل که میتوانند از جمله با شرکت در تجمع کارگران از آنها حمایت کنند و این تجمعات را به صحنه مبارزه گسترده علیه حکومت جنایتکار و سرکوبگر اسلامی و کارفرمایان دزد و مفتخور در کارخانه ها تبدیل



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org



اعتراض جهانی علیه اعدامها در ایران، گسترش میابد

کمپین مهم پنج گروه بزرگ حقوق بشری در ۵ کشور جهان علیه اعدامها در ایران

قرار گرفته است. حمایت جهانی از کمپین علیه اعدامها میتواند و باید زمین زیر پای این جنایتکاران را چنان داغ کند که جرات اعدام کسی را بخود راه ندهند.

کمپین بین المللی علیه اعدام از همه سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق بشر در سراسر دنیا میخواهد که قویا کمپین علیه اعدامها در ایران را مورد حمایت قرار دهند.

کمپین بین المللی علیه اعدام
۲۸ ژانویه ۲۰۱۰

در ایران اقدامات جدی انجام دهند. کمپین بین المللی علیه اعدام فعالانه از این کمپین حمایت کرده و تلاش میکند سازمان های بیشتری را به کمپین علیه اعدامها در ایران دخیل کند. ما معتقدیم با یک اتحاد وسیع جهانی میتوان سنگین ترین فشارها را بر جمهوری اسلامی وارد کرد. دولت جمهوری اسلامی هم اکنون در داخل زیر فشار سهمگین خشم و اعتراض انقلابی میلیونها نفر

است. سخنگوی این کمپین اعلام کرده است که هدف این کمپین بیشتر متوجه اتحادیه اروپاست که بیشترین مناسبات سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی را با جمهوری اسلامی دارد.

شایان ذکر است که امروز در هلند نیز در ادامه فعالیتهای کمیته بین المللی علیه اعدام موضوع فشار بر جمهوری اسلامی و احضار سفیر ایران در پارلمان طرح شده و از وزارت خارجه خواسته شده که علیه اعدامها

امور خارجه کشورهای خود بخواهند که با فشارهای دیپلماتیک به جمهوری اسلامی خواهان لغو مجازات اعدام در ایران شوند. این پنج گروه عبارتند از: شورای همجنسگرایان حقوق بشر در آمریکا و کانادا، گروه اوت ریچ در انگلستان، بنیاد هیرشفیلد ادی در آلمان و گروه هرکس (اوری وان) در ایتالیا. رقم ۳۴۶ نیز از گزارش سازمان امنستی (عفو بین الملل) مبنی بر اعدام ۳۴۶ تن در سال ۲۰۰۸ گرفته شده

اعدام دو تن از مخالفین حکومت اسلامی؛ محمد رضا زمانی و آرش رحمانی موج وسیع و جهانی اعتراضات را در سراسر دنیا برانگیخته است. براساس گزارشات دریافتی پنج گروه بزرگ حقوق بشری در پنج کشور دنیا يك کمپین جهانی را علیه اعدامها در ایران آغاز کرده اند. این کمپین به نام کمپین ۳۴۶ تن به نه به اعدامها لقب یافته است و قرار است در هر تمام کشورهای دنیا ۳۴۶ تن طی نامه و طوماری وزاری

زنان ترکیه در همبستگی با زنان ایران و علیه اعدامها در ایران

کنفرانس مطبوعاتی پلاتفرم زنان مرسین در ترکیه علیه اعدامها در ایران

شده است. وی زنان و مردم را به اعتراض علیه خشونت دولتی در ایران که به منظور ایجاد ارباب در میان شهروندان این کشور صورت می گیرد، فراخواند و از دولت ترکیه نیز خواست که در این زمینه موضع گیری کند.

کمپین بین المللی علیه اعدام به زنان مرسین و پلاتفرم زنان مرسین درود میفرستد. انقلاب مردم ایران برای به زیر کشیدن حکومت زن ستیز اعدام و شکنجه شایسته وسیعترین حمایتهای جهانی است.

کمپین بین المللی علیه اعدام
۲۸ ژانویه ۲۰۱۰

شدت محکوم دانست و اظهار داشت که وضع زنان در کشور اسلامی ایران وخیم است و آنها هرگز نتوانسته اند از حقوق برابر با مردان در این کشور برخوردار شوند. وی افزود، در جایی که زنان به خاطر نوع پوشش خود تحت ستم قرار می گیرند، اکنون صدور احکام اعدام نیز به طور نگران کننده ای افزایش یافته است. وی برای مثال از "زینب جلالیان" یاد کرد که از سوی دادگاه انقلاب به اتهام "محاربه علیه خدا" محکوم به اعدام

این کنفرانس تشکلهایی از احزاب و نهادهای مختلف، از جمله کانون وکلای مرسین، جنبش دمکراتیک آزاد زنان، سندیکای کسک، مرکز فرهنگی خاورمیانه، پلاتفرم زنان عضو حزب سوسیالیسم دمکراتیک و اتحادیه "گونا باک" زنان و چندین حزب و نهاد دیگر شرکت داشتند.

در این کنفرانس "هولیه آبهان یامان" از سوی زنان شرکت کننده، دستگیری و آزار زنان ایرانی را به خاطر پوشششان به



اعدام علیه زندانیان سیاسی، به ویژه زنان را در ایران محکوم کرده و همه زنان را به مقابله با آن فراخواندند. در

بر اساس گزارشات رسیده پلاتفرم زنان مرسین در ترکیه، با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی، صدور احکام

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

سیا مک بهار ری	۲۴۵۰ کرون
جشن تولد ۵۰ سالگی دوستدار حزب در سوئد	۱۴۰۰ کرون
بیرگیت و منصور ماهانی	۵۰ یورو
محمد رضا رنجکش	۴۰ یورو
روزبه اسماعیلی	۳۰ یورو
مجیده بنکدار	۱۰ یورو
رضا پایدار	۱۰۰ دلار
حسین م	۶۰ دلار
منصور پا رسا	۵۰ دلار

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد درگذشت رفیق یداله خسروشاهی



اسلامی مبارزه کرد و چندین سال در زندان هر دو رژیم بسر برد. درگذشت یداله خسروشاهی را به خانواده اش و به کلیه دوستانش صمیمانه تسلیت میگوئیم. حزب کمونیست کارگری ایران

امروز اطلاع یافتیم که با کمال تاسف رفیق یداله خسروشاهی به دلیل سکنه مغزی درگذشته است. یداله خسروشاهی از فعالین کارگری قدیمی و سرشناس جنبش کارگری در ایران بود و علیه حکومت شاه و جمهوری



فراخوان به تظاهرات ۹ فوریه جلوی سفارت جمهوری اسلامی در برلین

سه شنبه ۹ فوریه از ساعت ۱۲ ظهر
روبروی سفارت جمهوری اسلامی در
برلین
آدرس
Podbielskiallee 67
14195 Berlin
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران -
آلمان

جا در مقابل مراکز جاسوسی و ترور
حکومت اسلامی تجمع کرد و در این
مراکز ترور و جاسوسی رژیم کشیف
اسلامی را بست.
کمیته آلمان حزب کمونیست
کارگری ایران همه مخالفان جمهوری
اسلامی را به شرکت گسترده در
تظاهرات ۹ فوریه در جلوی سفارت
رژیم در برلین فرا می خواند.

با گسترش اعتراضات و
تظاهراتها بر علیه جمهوری اسلامی
در آستانه سالگرد ۲۲ بهمن، پای
حکومت سرکوبگران انقلاب مردم
در خارج کشور را قطع کنیم.
سفارتخانه جمهوری اسلامی
باید تعطیل گردند. سرکوبگران مردم
ایران باید بدانند که خارج کشور
یکپارچه بر علیه شان است. باید همه

تشکیلات آلمان حزب کمونیست
کارگری ایران فراخوان تظاهرات روز
سه شنبه ۹ فوریه داده است. به
حکومت جانپان و تروریست های
اسلامی و سرکوبگران انقلاب مردم
نباید اجازه داد که در خارج کشور
حتی در مراکز جاسوسی شان نظیر
سفارتخانه ها و کنسولگری هایشان
احساس امنیت و آرامش بکنند.

قرار بود روز ۹ فوریه در هتل مجلل
ماریتیم در برلین به مناسبت سالروز
قیام ۵۷ که حکومت اسلامی سرکار
آمد جشن و مراسم بگیرند اما این
مراسم با موجی از اعتراض مردم
معترض و سازمانهای چپ و مترقی
آلمانی و ایرانی مواجه شد و جمهوری
اسلامی را وادار به لغو مراسم کرد.
در ادامه این اعتراضات

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید
به این حسابها واریز کنید و
یا از طریق تماس با واحدها
و مسئولین حزب در
کشورهای مختلف تماس
بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید:
میتوانید از طریق دوستانتان
در خارج به حساب های
فوق واریز کنید، و یا با
شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
تماس بگیرید تا راه های
دیگر را به شما معرفی کنیم.
تقاضا میکنیم در همه موارد
میزان و مشخصات مبلغ واریز
شده و اسمی که باید اعلام شود
را به ما اطلاع دهید.

حزب کمونیست کارگری به همه
فعالینی و مبارزین ایرانی و غیر ایرانی
که جشن های خون جمهوری اسلامی را به
هم ریخته اند درود میفرستد و همه
ایرانیان معترض و همه مردم چپ و
مترقی در کشورهای مختلف دنیا را به
پیوستن هرچه گسترده تر به اعتراضات
 بحق مردم ایران فرامیخوانیم.

مردم آزاده!

حکومت اسلامی نفسهای آخرش را
میکنشد. روز بیباختن همه ما
است. ۱۱ فوریه ۲۲ بهمن را باید در سراسر
جهان به روز پاک کردن بساط سفارتها تبدیل
کرد. همه جا در مقابل مراکز جاسوسی و ترور
حکومت اسلامی تجمع کنید و در این
مراکز ترور و جاسوسی رژیم کشیف
اسلامی را ببندید.

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۴ فوریه ۲۰۱۰

شش و نیم در اینجا جمع شده ایم و
دوستان آلمانی زیادی در این حرکت سهیم
هستند. او گفت تعداد زیادی از شهر کلن
آلمان از ساعت چهار صبح حرکت کرده و
ساعت شش به اینجا رسیده اند. او گفت
ما با این حرکت سمبلیک میخواهیم به
ایرانیان در همه جا اعلام کنیم که برای
مقابله با اعدامها و سرنگون کردن
جمهوری اسلامی در خارج کشور، در
مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای
حکومت اسلامی از ساعات اولیه کار
اداری تجمع کنید و اعلام کنید که
این مراکز را می بندیم و نمیکاریم
حکومت اسلامی در خارج کشور آب
خوش از گلویس پایین برود.

حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۳ فوریه ۲۰۱۰
تلفن تماس با شهناز مرتب:
۰۰۴۹۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

زمین را زیر پایشان داغ میکنیم! مراسم جمهوری اسلامی در برلین هم به هم خورد

مردم آزادیخواه و سازمانهای چپ و
مترقی و کارگری در برخی کشورها
به این اعتراضات، فشار بر مراکز
جمهوری اسلامی بشدت افزایش
یافته است. در ایتالیا نیز سازمانهای
کارگری علیه جنایات جمهوری
اسلامی اعلام اعتراض کرده اند. ۱۱
سال قبل کنفرانس برلین شان را بر
سرشان خراب کردیم و در این ده سال
هرجا رژیم برنامه ای گذاشت آنرا به
محل افشگری و آبروریزی برای آن
تبدیل کردیم، اما امروز به یمن
انقلابی که در ایران در جریان است،
موجی از تعرض در برابر مراکز رژیم
شروع شده است. مراکز ترور و
جاسوسی رژیم را تعطیل خواهیم کرد
و دولت ها را وادار میکنیم که دست
از دعوت مقاصات رژیم در خارج
بردارند و عملا در خارج کشور رژیم را
سرنگون خواهیم کرد.

برگزاری جشن و مراسم و کنسرت در
کشورهای مختلف، به عوامل خود در
خارج و مقامات سفارت هایشان روحیه
بدهند و به نوعی ابراز وجود کنند اما این
تشبثات یکی پس از دیگری شکست
خورد و به آبروریزی بیشتری برای این رژیم
تبدیل شد و وضعیت واقعی حکومت
اسلامی را به همگان نشان داد.
کنسرت هلندشان بر سرشان خراب
شد، در پاریس در مقابل نوفل لوشاتو
تجمع کردند و سفیرشان را کتک زدند
و در فرانکفورت در ادامه تظاهرات
های مکرر در مقابل کنسولگری، بر
درهای آن قفل زدند و اعلام کردند که
بساطتان را جمع میکنیم.

جمهوری اسلامی به قدرت
انقلاب عظیم مردم در حال در هم
شکستن است و در خارج نیز به یمن
اعتراضات گسترده و با پیوستن

قرار بود روز ۹ فوریه در هتل مجلل
ماریتیم در برلین به مناسبت سالروز
قیام ۵۷ که حکومت اسلامی سرکار
آمد جشن و مراسم بگیرند اما این
مراسم با موجی از اعتراض مردم
معترض و سازمانهای چپ و مترقی
آلمانی و ایرانی مواجه شد و جمهوری
اسلامی را وادار به لغو مراسم کرد.
در تماسی که یکی از مسئولین حزب
با مقامات هتل ماریتیم برلین داشت
به او گفته شد که اینقدر نامه های
اعتراضی از مردم و سازمانهای
مختلف به اینجا رسیده است که
سفارت جمهوری اسلامی مراسمش
را لغو کرد.

قرار بود جشن بگیرند و قتل و
اعدام و جنایت و تجاوز را که قانون
اساسی حکومت شان است، پاس بدارند.
میخواستند با خرج میلیونها دلار و

بساطشان را جمع خواهیم کرد!

حکومت اسلامی سرنگون و زنده باد
همبستگی بین المللی در فضا طنپین
افکن است.

به نیروی خودمان سفارتخانه ها و
کنسولگریهای جمهوری اسلامی را در
خارج کشور خواهیم بست! این پیام حرکت
اعتراضی امروز است. اگر حکومت آلمان
به خواست مردم ایران و ایرانیان ساکن
آلمان، گوش نداده و مراکز جمهوری
اسلامی را نمی بندد، ما به نیروی
خودمان کنسولگریها و سفارتخانه های
حکومت اسلامی را مختل میکنیم.

اینها قاتلین مردم ایران هستند و
باید لانه های ترور و جاسوسی آنها فوراً
تعطیل شود!

از دقایق اولیه صبح امروز چهارشنبه
۳ ماه فوریه دهها نفر از جوانان آلمانی به
همراه ایرانیان معترض در مقابل

تظاهرکنندگان بر در کنسولگری
جمهوری اسلامی در فرانکفورت قفل
زدند!

اقدامی ابتکاری و جالب برای بستن
سفارتخانه های جمهوری اسلامی
هم اکنون ساعت هشت صبح روز
چهارشنبه ۳ فوریه تعداد زیادی از جوانان
آلمانی به همراه چپهای شهر کلن و
فرانکفورت و فعالین حزب کمونیست
کارگری ایران، در مقابل کنسولگری
جمهوری اسلامی در شهر فرانکفورت
آلمان تجمع کرده و با قفلهای بزرگ
درهای ورود به این مرکز تروریستی
حکومت اسلامی را بسته و راههای ورود
به این مرکز را بلوکه کرده اند. یک مامور
جمهوری اسلامی که با ماشین و با
سرعت قصد حمله به تظاهرکنندگان را
داشت، گوشمالی داده شد و صدای شعار

اطلاعیه درباره دیدار هیات های رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست ایران

به اطلاع می رسد که در پاسخ به نیازهای مبارزات انقلابی جاری در ایران و در جهت تقویت جنبش چپ و کمونیستی، در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۱۰ برابر با ۱۰ بهمن ۱۳۸۸ هیات‌های مرکب از رفقا حمید تقوایی، اصغر کریمی و محمد آسنگران از طرف رهبری حزب کمونیست کارگری و رفقا سروه ناصری، ابراهیم علیزاده و هلمت احمدیان از طرف رهبری حزب کمونیست ایران با هم دیدار کردند. در این نشست طرفین در فضائی گرم و صمیمانه به تفصیل تبیین خود را از اوضاع سیاسی جاری طرح کردند و جوانب مختلف، نقاط اشتراک و تمایزات آنرا روشن کردند. بر این اساس طرفین علیرغم وجود پاره ای تفاوت های نظری و تحلیلی مشخص در تبیین اوضاع کنونی، بر ضرورت همکاری در زمینه های مختلف تاکید کردند و توافق نظر داشتند که اینگونه نشست ها را با هدف ایجاد وحدت نظر و همکاری بیشتر ادامه دهند. در همین راستا بر روی پاره ای از همکاریهای عملی مشترک نیز توافق بعمل آمد.

حزب کمونیست ایران
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ فوریه ۲۰۱۰ - ۱۲ بهمن ۱۳۸۸

اطلاعیه

سیزدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان
حزب کمونیست کارگری ایران
بر گزار می شود!
سیزدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان
حزب کمونیست کارگری ایران
در روزهای شنبه و یکشنبه 20 و 21 فوریه
بر گزار می شود.

کنفرانس به ارزیابی از فعالیتهای یک سال گذشته تشکیلات آلمان پرداخته و در باره کار و فعالیتهای سال آینده بحث و تصمیم گیری خواهد شد. از طرف رهبری حزب رفقایی در این کنفرانس شرکت خواهند کرد. کنفرانس در شهر کلن برگزار می شود.

شرکت در کنفرانس برای عموم آزاد است!
برای شرکت در کنفرانس و ثبت نام می توانید با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید!

0177 3600963

0178 5396594

email: akpigermany@yahoo.de

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان

20 ژانویه 2010

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

موضوع: کمونیسم کارگری، انقلاب و انسانگرایی

سخنران: حمید تقوایی

زمان: یکشنبه، ۷ فوریه ۲۰۱۰

ساعت ۱۲ تا ۶ بعد از ظهر

مکان:

Toronto
North York Civic Centre
Yonge St., North York 5100
Room # 3

ورودی: ۵ دلار

برای اطلاع بیشتر با شماره تلفن زیر تماس بگیرید

۴۱۶-۴۷۱۷۱۳۸

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

۲۱ ژانویه ۲۰۱۰

<http://www.wpiran.org/>
<http://www.rowzane.com/>
<http://www.hamidtaqvae.wpiran.org>

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا



یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع

توزیع کنید

به حزب

کمونیست

کارگری ایران

پیوندید

تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور بمناسبت ۲۲ بهمن

جمهوری اسلامی باشد. هرچه اعتراضات ما در خارج کشور گسترده تر باشد هزینه مردم در ایران برای به زیر کشیدن این حکومت کمتر خواهد بود. لیست برنامه های اعتراضی که تا کنون اعلام شده است بدین قرار است:

اعتراضات گسترده در سراسر جهان بر پا کنیم. با تمام قوا در هر شهر و کشوری که هستید خود را برای تظاهرات های وسیع در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و میادین شهرها آماده کنید. همه جا باید صحنه اعتراض گسترده مردم برای به زیر کشیدن

به سالگرد انقلاب ۵۷ نزدیک میشویم. ۲۲ بهمن برابر با ۱۱ فوریه سالگرد انقلاب ۵۷، در ایران و خارج کشور مردم خود را برای اعتراضات گسترده آماده میکنند. این فرصت دیگری است که متحد به میدان بیاییم و برای بزیر کشیدن جنایتکاران حاکم بر ایران،

تلفن تماس: +۹۱۷۳۷۱۷۸۸۱۹

انگلستان - لندن

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه برابر با ۲۲ بهمن ساعت ۱۴ تا ۱۷

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تلفن تماس: +۴۴۷۹۵۰۹۲۴۴۳۴

آمریکا - واشنگتن دی سی

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه ساعت ۱۲ به وقت شرق آمریکا

مکان: دفتر حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در آمریکا

بلژیک - بروکسل

زمان: ۱۰ فوریه ساعت ۱۷ تا ۱۹

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

برگرا کننده: کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک

دانمارک - کپنهاگ

زمان: ۱۱ فوریه ساعت ۱۶

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران

تلفن تماس: +۴۵ ۴۰۵۴۳۹۹۲

سوئیس - بون

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه از ساعت ۱۳ تا ۱۵

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تلفن تماس: +۴۱ ۱۷۶۳۰۶۰۷۲۳

هند - دله

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه از ساعت ۱۳ تا ۱۵

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

تلفن تماس: +۹۱ ۱۲۷۳۲۶۱

اتریش - وین

پنجشنبه ۱۱ فوریه از ساعت ۱۷

مکان: روبروی ایران ایر strasse kartner

ما همه را به شرکت گسترده در این اعتراضات فرا می خوانیم

(این لیست در حال تکمیل شدن است)

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱ فوریه ۲۰۱۰

آلمان - فرانکفورت

مکان: مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه، از ساعت ۱۱ تا ۱۷

تلفن تماس: +۴۹ ۱۵۷۸۱۶۸۸۷۳۲

برلین

از ساعت ۱۷ مکان:

Maritim Hotel Berlin

Stauffenberg Strabe 26

Tel: 0176 24 866 317

01732050584

کانادا - تورنتو

زمان: ۵ شنبه ۱۱ فوریه، ساعت ۱۷ تا ۱۹

مکان: میدان مل لاستمن

کانادا - اتاوا

زمان: ۵ شنبه ۱۱ فوریه، ساعت ۱۲ تا ۱۴

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

نروژ - اسلو

پنجشنبه ۱۱ فوریه، برابر با ۲۲ بهمن:

ساعت ۱۳ تا ۱۴ در مقابل سفارت رژیم اسلام در اسلو

ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۵:۳۰، در مقابل پارلمان نروژ

تلفن تماس: +۴۷ ۹۸۶۹۴۰۰۱

سوئد - استکهلم

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه از ساعت ۱۲ ظهر

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

سپس از ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ در میدان سرگل

استرالیا - کنبرا

زمان: جمعه ۱۲ فوریه از ساعت ۱۱ الی ۱۳

مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی در کنبرا

هماهنگ کننده: رهایی هماهنگ کننده: البرز هماهنگ کننده: ناظری

تلفن: 0431713128 تلفن: 0413405545 تلفن: 0411553152

سوئد - گوتنبرگ

زمان: پنجشنبه ۱۱ فوریه از ساعت ۱۶ تا ۱۸

مکان: برونیارکن، جنب مجسمه یوهانا

تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید

مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعا آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7 Degrees West

Freq: 10873

Polarity: Vertical

Symbol Rate: 27,500

Fec: 3/4

لازم به توضیح است که دارندگان دیش هاتبرد میتوانند بدون تغییر زاویه دیش و با نصب آل ان بی به نایل سات نیز همزمان دسترسی داشته باشند.

کانال جدید

۲۰ ژانویه ۲۰۱۰، ۲۹ دیماه ۱۳۸۸